

انتشار دومین گزارش گالیندوپل درباره حقوق بشر در ایران

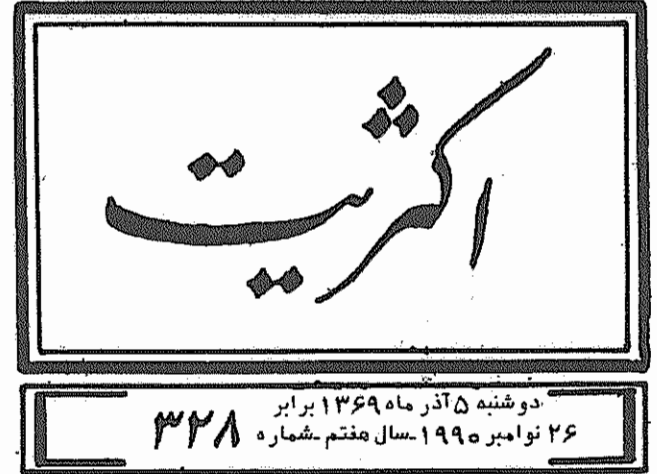
گزارش اخیر فرستاده ویژه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل مرصه های مختلف پایمال شدن حقوق بشر در ایران را مورد تاکید قرار داده است.

انتشار نشریات، کتب و فعالیت های هنری بوجود میآورد. مانع از ارائه شکایت نامه افراد میشود و از گردهمایی ها و برگزاری اجتماعات و تشکیل سازمانهای صنفی جلوگیری می نماید. بگفته بازرس ویژه حقوق بشر شکنجه و اعدام مخالفین رژیم موجب شده است که مردم از بر ملا کردن نقض حقوق بشر در ایران وحشت داشته بقیه در صفحه ۲

پایمال کردن حقوق متهمین در دادگاههای حکومت جمهوری اسلامی اشاره کرده و گفته است که بازداشت شدگان از حقوق شان در دادگاهها محرومند، محاکمات بطور علنی برگزار نمیشود و اتهام بازداشت شدگان بلافاصله به آنها اطلاع داده نمیشود. گالیندوپل در گزارش خود گفته است که رژیم جمهوری اسلامی موانع متعددی در مورد

این گزارش که در ۹۲ صفحه تنظیم شده است حاصل بررسی ها و تحقیقات سفر اخیر گالیندوپل بایران می باشد. گالیندوپل روز شانزدهم مهر ماه گذشته همراه با هیئتی به ایران رفت. متن کامل گزارش هنوز بدست ما نرسیده است ولی قسمت هایی از آن توسط خبرگزاریها منعکس شده است. گالیندوپل در گزارش خود به

گزارش گالیندوپل بازرس ویژه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل در نیویورک انتشار یافت. به گفته خبرگزاریها، در این گزارش گفته شده است که حقوق بشر در ایران بمیزان چشم گیری نقض میشود، بازداشت مخالفین ادامه دارد و شکنجه و بد رفتاری در زندانها پابرجاست و شمرودان هم چنان در دادگاههای جمهوری اسلامی به اعدام محکوم میشوند.



در صورت تصویب یک قطعنامه جدید

شورای امنیت اعمال قهر علیه اشغال کویت را مجاز اعلام می کند

ارزیابی کردوی تاکید نمود کشورش در شورای امنیت در هر حالت قابل تصور، در برابر حل نظامی بحران خلیج فارس مقاومت نخواهد کرد. رئیس جمهور شوری گفت: "ما نباید بگذاریم صدام حسین، جامعه بین المللی را به زانو درآورد. این امر پذیرفتنی نیست." گارباچف از مطبوعات خواست سیاستمداران را به طرفداران و مخالفان یک راه حل نظامی تقسیم نکنند. وی گفت همه سیاستمداران در صددند که در صورت امکان یک راه حل غیرنظامی بیابند. گفته می شود طرحی که ایالات متحده برای قطعنامه جدید شورای امنیت تهیه کرده بقیه در صفحه ۳

بوش پس از این دیدار گفت که نسبت به صدور چنین قطعنامه ای در طول هفته آینده، "خوشبین" است. رئیس جمهور آمریکا از پاریس به عربستان سعودی رفت و در روز هید "شکرگزاری" با تعدادی از نظامیان آمریکایی مستقر در نزدیکی مرز کویت، دیدار کرد. گارباچف بدنبال گفتگو با جرج بوش اظهار داشت: "مهمتر از همه این است که باید دست به کار شویم، باید خود را مصمم نشان دهیم. شورای امنیت باید فوراً اوضاع را مورد بررسی قرار دهد و تصمیمی بگیرد." رئیس جمهور شوری، موقعیت در منطقه خلیج فارس را "بسیار خطرناک" و "تحلیل دقیق" آن را ضروری

شورای امنیت سازمان ملل متحد در هفته جاری به منظور بررسی صدور یک قطعنامه جدید علیه عراق، تشکیل جلسه خواهد داد. در صورت تصویب این قطعنامه، اعمال قهر برای پایان دادن به اشغال کویت توسط عراق مجاز اعلام خواهد شد. هفته گذشته به موازات اجلاس سران کنفرانس امنیت و همکاری در اروپا که در پاریس برگزار شد، جرج بوش رئیس جمهور آمریکا در مورد صدور یک قطعنامه جدید از سوی شورای امنیت با میخائیل گارباچف رئیس جمهور شوروی مذاکره کرد. بوش پس از این دیدار گفت که نسبت به صدور یک قطعنامه جدید از سوی شورای امنیت با میخائیل گارباچف رئیس جمهور شوروی مذاکره کرد.

گردهمائی رهبران ۳۴ کشور در پاریس

شامل تانک، زره پوش و توپ را پیش بینی می کند. با اجرای این قرارداد، شوروی برتری خود را در این تسلیحات از دست خواهد داد.

کنفرانس امنیت و همکاری در اروپا طی اجلاس هفته گذشته خودسندی تحت عنوان "منشور اروپای آزاد" مورد تصویب قرار داد. در این سند، همه کشورهای اروپا و آمریکای شمالی برای نخستین بار، بر دمکراسی به عنوان تنها شکل حکومتی ممکن و مجاز در کشورهای خود تاکید کرده و اصول دمکراسی را چنین بر شمرده اند: حکومت مبتنی بر انتخاب نمایندگان مردم، پولوالیسم، مسئولیت انتخاب شوندهگان در برابر انتخاب کنندگان، الزام قدرت دولتی به پیروی از قانون، استقلال قوه قضائیه، شمول قانون بر همه افراد و حفظ حقوق اقلیت ها.

اجلاس پاریس یکی از مهمترین مسائل مبتلا به اروپا در سال های آینده را نحوه تنظیم روابط دولت ها با اقلیت های ملی و روابط ملیت های مختلف در بقیه در صفحه ۳

روسی جمهوری و نخست وزیران ۳۴ کشور اروپا و نیز ایالات متحده و کانادا، هفته گذشته در اجلاس سران "کنفرانس امنیت و همکاری در اروپا" در پاریس شرکت کردند.

نخستین اجلاس سران کشورهای عضو این کنفرانس در سال ۱۹۷۵ در هلستینکی تشکیل و به صدور قطعنامه پایانی هلستینکی منجر شد. این قطعنامه برای نخستین بار، اصول همزیستی مسالمت آمیز کشورهای قاره اروپا را مورد تاکید قرار داد و سال ها، مبنای تنظیم روابط دو جانبه و چندجانبه میان این کشورها بود.

گردهمائی پاریس رسماً نقطه پایانی بر جنگ سرد نهاد. رهبران ۱۶ کشور عضو ناتو و شش کشور عضو پیمان ورشو در بیانیه مشترکی اعلام کردند که دوران خصومت این دو پیمان نظامی به سر رسیده است. سران ناتو و پیمان ورشو در پاریس قراردادی را امضا کردند که بدنبال مذاکرات نمایندگان این کشورها در وین تهیه شده است. این قرارداد برای نخستین بار کاهش تسلیحات غیر هسته ای در اروپا،

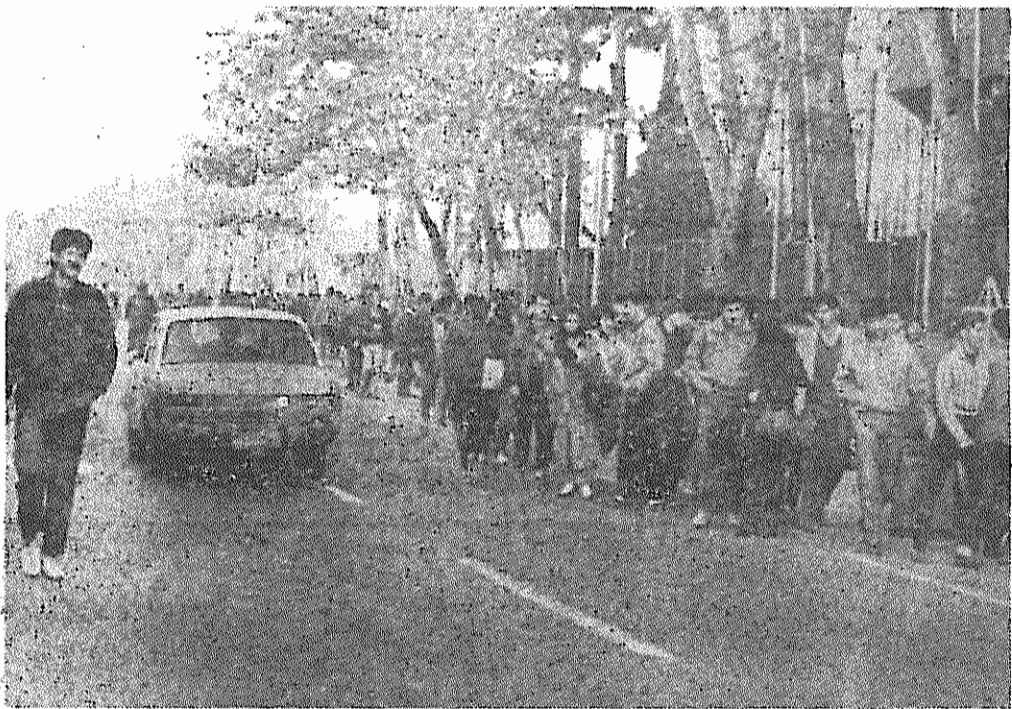
گرایش به حل سیاسی مسئله افغانستان افزایش می یابد

سیاسی را جایگزین راه حل نظامی مسئله افغانستان سازند. حمله شدید روزنامه جمهوری اسلامی هر چند ظاهرآ متوجه "نفوذی"ها در افغانستان است، اما در واقع حمله تندرو خط امامی به سیاست های رفسنجانی ولایتی در قبال رویدادهای این کشور می باشد، هم رفسنجانی و هم ولایتی در دیدارهای قبلی خود با سرکردگان مجاهدین بر ضرورت برگزاری انتخابات آزاد در افغانستان و حل سیاسی مسائل این کشور تاکید کرده بودند. سیاست جمهوری اسلامی نسبت به افغانستان یکی دیگر از موضوعات مورد مناقشه بین جناح های حکومتی است. نیروهای افراطی همچنان خواهان ادامه سیاست گذشته جمهوری اسلامی در مورد افغانستان و حمایت از راه های نظامی برای روی کار آوردن یک دولت افراطی اسلامی در آن کشور هستند اما رفسنجانی و وزارت خارجه آن آشکارا به راه حل سیاسی و برگزاری انتخابات آزاد تمایل نشان می دهند. مجاهدین افغانی نیز در قطعنامه اجلاس اخیر خود در بقیه در صفحه ۳

سران گروه های مجاهدین افغانی که نزدیک به یک ماه است در تهران به سر می برند هفته گذشته باخامنه ای و رفسنجانی دیدار کردند. هاشمی رفسنجانی در دیدار با صیفت الله مجددی رئیس دولت موقت مجاهدین و شورشیان از اعلام موضع صریح نسبت به حل مسئله افغانستان خودداری کرد و به ابراز امیدواری برای آنکه مردم این کشور با پیروزی نهایی به خواسته های برحق خود برسند، بسنده نمود. خامنه ای در دیدار با مجددی مواضع قبلی رژیم را با صراحت بیشتری مورد تاکید قرار داد و مدعی شد که افغانستان راهی جز تمسک به اسلام ندارد. خامنه ای در این دیدار خاطر نشان ساخت که تشکیل حکومت اسلامی در افغانستان یگانه نتیجه قابل قبول ۱۲ سال مبارزه در آن کشور است.

همزمان با این دیدارها روزنامه جمهوری اسلامی در سرمقاله شماره ۲۹ آبان خود به "نیروهای نفوذی" در میان مجاهدین افغانی به شدت حمله کرد و نوشت نفوذی ها پس از باز کردن پای آمریکا و عربستان به این کشور اکنون قصد دارند راه حل

افزایش کرایه تاکسی در تهران و اعتراض مردم



به دنبال اعلام کرایه های جدید تاکسی از طرف شهرداری تهران که حکایت از افزایش فیرمنتظره آن داشت، اعتراضات مختلفی بوقوع پیوست. ابراز ناراضی تاکسی سواران که بدلیل نبود یا کمبود سایر وسائل حمل و نقل عمومی، بخش قابل توجهی از مردم تهران را تشکیل میدهند در روزنامه های رژیم نیز بازتاب داشت. کرایه تاکسی های نارنجی (دارای تاکسیمتر) بیش از مقداری که رانندگان تاکسی بطور فیررسمی از مسافران دریافت میکردند افزایش یافته است. علاوه بر نرخ تاکسی طی چند هفته اخیر قیمت های بسیاری از کالاها و خدمات افزایش چشمگیری یافته است. باز این افزایش قیمت ها از همه حقوق بگیران که در آمد کم و بیش ثابتی دارند در دوش دارند. ابراز ناراضی جمعی از این وضعیت بویژه در میان معلمان بارزتر به چشم می خورد.

نمایشگاه فرهنگ و هنر در گوتنبرگ سوئد

در صفحه ۳



از آرش

سافسور

مصاحبه با حسن شریعتمداری
عضو شورای مرکزی
جمهوری خواهان ملی ایران

در صفحه ۲

مصاحبه با حسن شریعتمداری عضو شورای مرکزی جمهوری خواهان ملی ایران

نشریه اکثریت جهت آگاهی خوانندگان خود با مواضع و دیدگاه‌های فعالین و رهبران احزاب و سازمان‌های سیاسی ترقی خواه اقدام به مصاحبه‌ای با آقای حسن شریعتمداری کرده است که در این شماره درج می‌شود. آقای شریعتمداری از اعضا مؤسس حزب جمهوری خلق مسلمان ایران است که پس از اعتراضات مردم آذربایجان در آذرماه ۱۳۵۸ علیه حکومت خمینی، مدت‌ها مجبور به زندگی مخفی در ایران و سپس عدم امکان فعالیت در داخل راهی خارج از کشور شده است. وی از سال ۱۳۵۹ در خارج از کشور مقیم بود و از همان ابتدا همراه با دیگر همکاران خود به فعالیت برای تشکیل مجدد گروه‌های ملی و دموکرات مشغول شد تا بالاخره در سال ۱۹۸۴ میلادی با امضا بیانیه موسوم به «بیانیه ۶ آذر» به تدوین منشور ایجاد سازمان جدیدی با شرکت احزاب، افراد، شخصیت‌ها، همراه با دیگر امضاکنندگان این بیانیه توفیق یافت و از آن سال به بعد و هم اکنون در شورای مرکزی جمهوری خواهان ملی ایران عضویت دارد.

پرسش: چشم‌انداز تحولات ایران را چگونه می‌بینید؟ آیا بیشتر متحول شدن و استحاله رژیم را محتمل می‌دانید یا برکناری آن را؟

پاسخ: نظر صائب و دقیقی در این باره نمی‌توان داد. مشکلات درونی رژیم و مشکلات آن در زمینه روابط بین‌المللی بسیار زیاد است. یعنی در کشورهای مثل کشورها، رژیم‌هایی که پایگاه مردمی ندارند می‌توانند با تحولات اجتماعی و سیاسی داخلی و بین‌المللی دچار دگرگونی اساسی شوند، از این رو احتمال یک

دگرگونی و تحول اساسی را نمی‌توان منتفی شمرد. ولی به هر صورت آرزوی گروه‌های دموکرات آن است که دگرگونی اساسی رژیم‌های دیکتاتوری نیز از مجرای تحولات گام به گام، سنجیده و برنامه‌های آکتیو اپوزیسیون دارای پایگاه مردمی انجام گیرد. تحولات خود بخودی، ناگهانی و یا شورشی می‌تواند مجدداً به استقرار یک دیکتاتوری جدید و یا جنگ داخلی و یا آناشسیسم دیگری منجر شود، که بعید نیست لطماتش کمتر از آنچه که این رژیم برای ایران به ارمغان آورده، نباشد. پیش‌بینی، کار دشواری است، ولی امید ما این است که روند تحولات ایران به سمت دموکراسی، روند گام به گام آهسته و سنجیده همراه با ابتکار عمل اپوزیسیون باشد.

پرسش: ظاهراً گام به گام حرکت کردن اپوزیسیون و تن دادن رژیم به یک رشته اصلاحات، به گونه‌ای که اپوزیسیون بتواند نقش فعالی در جنبش ایفا کند، بیشتر مورد نظر شماست، ولی با ساختار و سیاست‌های کنونی حاکمیت و بویژه برخورد اخیرش با امضاکنندگان نامه ۹۰ نوره و یا حذف بخشی از نیروهای خودی از انتخابات مجلس خبرگان، احتمال تن دادن رژیم به یک انتخابات آزاد را تا چه حد واقعی می‌دانید؟

پاسخ: پیش از ورود به بحث این توضیح را بدهم که ما انتخابات آزاد را به عنوان یک شعار محوری برای ائتلاف اپوزیسیون یا یک شعار ناشی از ضرورت‌های بین‌المللی نمی‌بینیم، بلکه آن را نوعی استراتژی می‌دانیم که اعتبار و اهمیت خود را حتی بی‌ارتباط با تحولات رژیم هم داراست. برای روشن شدن قضیه من به جنبه سلبی قضیه می‌پردازم. فرض کنیم که

انتشار دومین گزارش گالیندوپل درباره حقوق بشر در ایران

بقیه از صفحه ۲

و می‌تواند شکنجده شوند بهمین خاطر آنها از افشای هویت خود خودداری می‌کنند و هتاوین واقعی خود را پنهان می‌نمایند.

گالیندوپل مورد مخالفتی جمهوری اسلامی اظهار نموده است که ۴ تن از زندانیان با پذیرش خطر حاضر به گفتگو با او در زندان گوهر دشت شده بودند ولی مقامات حکومتی مانع این دیدار شدند.

این دومین گزارش گالیندوپل در مورد نقض حقوق بشر در ایران است. اولین گزارش گالیندوپل حدود ۱۱ ماه پیش منتشر شد. رژیم جمهوری اسلامی بخش‌هایی از گزارش‌ها که بسود خود یافته بود، منتشر کرد و کوشید از آن بنبغ خود بهره

برداری کند. این بار گویا گزارش گالیندوپل بمذاق سران حکومت خوش نیامده است. وزارت خارجه رژیم اعلام کرده است که گزارش گالیندوپل ارزش‌های اسلامی را که شکل دهنده قوانین جمهوری اسلامی است نادیده می‌گیرد و ایران نباید از یک زایویه غربی مورد ارزیابی قرار گیرد. وزارت امور خارجه گالیندوپل را منتشر کرده است که به فشار سیاسی کشورهای غربی و گروه‌های مخالف تسلیم شده است.

رژیم جمهوری اسلامی این بار نیز برای کتمان حقایق و منحرف کردن نماینده ویژه کمیسیون حقوق بشر و دسترسی او به زندانیان سیاسی و خانواده‌های آنها تدارک وسیعی دیده بود، ولی بنظر می‌رسد که با وجود این

انتخابات آزاد ناچار می‌بینند، دچار پندار و توهم نیستیم. یعنی فکر نمی‌کنیم که تحولات بین‌المللی الزاماً در رژیم‌های مثل رژیم ایران اثر فوری و قاطعی داشته باشد و مثل رژیم‌های بلوک شرق آن را در کوتاه‌مدت به تمکین به انتخابات آزاد وادار کند. ولی بر این باوریم که بن بست اقتصادی کنونی و بی‌نظمی جامعه و جنگ قدرت در درون رژیم برای او هیچ راهی جز باز کردن دریچه‌های یک اقتصاد نسبتاً لیبرال و همچنین تاسیس یک دولت متمرکز باقی نگذاشته است. و اگر این دو پدیده در کنار ضرورت سیاست نزدیکی به غرب گذاشته شود به ما این چشم‌انداز رami دهه که مقدار زیادی رفتار سیاسی رژیم هم باید از حالت بی‌نظمی، بی‌منطقی و بی‌قانونی، (حتی در چارچوب قوانین ظالمانه خود شان) خارج شود و این اولین جوانه‌های رشد یک چنین استراتژی در دام یک جامعه دیکتاتوری است. اینکه اپوزیسیون ایران تا چه حد بتواند مبارزات خود را با خواسته‌های بلاواسطه مردم پیوند دهد و آزادی انتخابات، احزاب و مطبوعات را به آنها تفهیم و گوشزد کند، کاری است که نیازمند سازماندهی، تبلیغات و بسیج یک اپوزیسیون قوی، ملی و دموکراتیک است که ما امیدواریم با یکپارچه کردن نیروهایی از اپوزیسیون که به این راه معتقدند به این هدف برسیم.

پرسش: آیا فکر نمی‌کنید که فاصله‌گیری رژیم از سیاست‌های کنونی، به گونه‌ای که تشدید فعالیت اپوزیسیون را هم در پی داشته باشد، بیش از همه در گرو کم‌رنگ شدن خصلت مذهبی و تئوکراتیک آن است؟ و اگر پاسخ مثبت است، با توجه به تجارب ده سال اخیر امکان چنین تحولی در رژیم را تا چه میزان واقعی می‌دانید؟

پاسخ: به نظر من رژیم حاکم بر ایران از ایده ایجاد یک حکومت آلمان سالار یا آیین سالار به حکومت چند باند قدرت در مملکت تکوین یافته همان ابتدا نیز این اندیشه آیین سالاری محور اصلی نوع تشکیل عناصر قدرت در رژیم حاکم بود. جناح رستگجانی این حقیقت را درک کرده که برای ماندن در اریکه قدرت با اندازه کافی از عواطف مومنین استفاده شده و دیگر توقع معجزه چندانی از این امامزاده نیست، لذا باروی آوری به راه‌های عمومی و تاحدی دیوان سالارانه مسائل در صدد متمرکز ساختن قدرت در دست جناح خود است. این وضعیت در صورت موفقیت که در آن میتوان بسیار شک نمود، تحول رژیم را به یک دیکتاتوری کلاسیک در پی دارد که ملاطی رقیب از مذهب نیز چاشنی آن خواهد بود. بهر حال چه در صورت یکپارچه شدن رژیم و چه در صورت وجود جناح‌های مخالف در آن چیزی بنام بازگشایی‌های سیاسی در دستور کار آن نیست و باید بوسیله مبارزات مردمی به آن تحمیل شود.

پرسش: در شرایط فعلی «انتخابات آزاد» تا چه حد مسئله مردم است؟ به عبارت دیگر آیا اپوزیسیون میتواند در کوتاه مدت تنها با طرح این شعار حمایت و پشتیبانی مردم را به دست آورد؟

پاسخ: این استراتژی

اگر به اندازه کافی مورد تبلیغ قرار گیرد و به اندازه کافی زمینه داخلی پیدا کند، می‌تواند یک روزی حالت بسیج‌کنندگی داشته باشد. ولی به نظر من این در دستور کار بلافاصله امروز اپوزیسیون و مردم ایران قرار ندارد. اگر واقع بین باشیم، امروز خواسته‌های اساسی مردم ایران خواسته‌های رفاهی است که به زندگی روزمره آنها مربوط می‌شود. زیرا پس از سالها کمبودهای رفاهی، اکنون که از سوی جناحی از رژیم و هده‌هایی در زمینه بهبود زندگی مردم داده میشود، آنها بی‌صبرانه منتظرند تا ببینند که چه میزان از این وعده‌ها عملی می‌شود. اگر جناحی از رژیم قادر شده که حمایت نسبی مردم را (البته در تیاس با جناح دیگر) بدست آورد، قطعاً به خاطر علاقه مردم به شکنجه گران و قاتلان قلبی خودشان نیست، بلکه صرفاً بخاطر آن است که مردم میان دو بدیل موجود، آن را که برایشان مقداری رفاه بیاورد، انتخاب می‌کنند. در واقع امروز مردم در وضعیتی نیستند که از این خواسته‌های رفاهی بگذرند و به خواسته‌های سیاسی و اجتماعی هامتر و کلی‌تری مثل دموکراسی، آزادی بیان و... بپردازند. ولی به هر صورت شکی نیست که پس از برآورده شدن اندکی از خواسته‌های رفاهی بلافاصله بخش آگاه‌تر جامعه به طرح خواسته‌های سیاسی و اجتماعی می‌پردازد و هیچ رژیم دیکتاتوری نمی‌تواند مرز قاطعی میان خواسته‌های رفاهی، صنفی و خواسته‌های سیاسی و اجتماعی بکشد و خواه ناخواه اگر اپوزیسیون بتواند در بین این خواسته‌ها فصل مشترکی پیدا کند، می‌تواند از هر کدام آنها به دیگری پل بزند.

پرسش: آیا انجام آن حداقل اقدامات رفاهی مورد نظر شما که بتواند مردم را تا حدودی از فکر معاش معاف کرده و زمینه‌ساز توجه آنها به مسائل سیاسی و اجتماعی شود، در توان آن جناح رژیم که شعارهای رفاهی سر میدهد، هست؟

پاسخ: پاسخ به این سوال بیشتر در گرو اتفاقات، وقایع و فراسات داخلی جناح‌های رژیم می‌باشد، و قابل پیش‌گویی نیست. ولی به گمان من حداقل جناحی از رژیم خواستار خروج از بن بست اقتصادی، انزوای بین‌المللی و بی‌نظمی داخلی است. البته این جناح به هیچ وجه قصد دادن آزادی‌های سیاسی را ندارد، و مثل هر دیکتاتوری خیال می‌کند انجام خواسته‌هایشان بدون توجه به مسائل دموکراتیک ممکن است. در حالی که تجربیات پیشمار کشورهای مختلف نشان داده است که لیبرالیسم اقتصادی و اختناق سیاسی در درازمدت نمی‌تواند با یکدیگر سازگار باشند. فراموش نکنیم که قبول امر انتخابات آزاد، آزادی احزاب و مطبوعات قبل از آنکه در رژیم تاثیر بگذارد، باید اثر فلسفی خود را در طرز سلوک و تفکر و حرکت سیاسی اپوزیسیون گذاشته و آن را از یک اپوزیسیون نطفی و قهر به اپوزیسیون واقعیت‌گرا و سازنده و پذیرنده و هم‌زیستی تبدیل نماید تا زمینه نفوذ در مردم و تاثیر در رژیم فراهم شود.

پرسش: این سوال هم بی‌ارتباط با سوال پیشین نیست. اخیراً در نشریه شما از انتخابات آزاد به عنوان محملی یاد می‌شود که بر اساس آن نیروهای سیاسی معتقد به دموکراسی و از جمله

جریان‌هایی در درون حاکمیت موجود می‌توانند در تعیین سرنوشت کشور دخالت فعال داشته باشند. در همین رابطه به‌طور مشخص کدامند و چه موضعی را نمایندگی می‌کنند؟

پاسخ: اشاراتی که در نشریه ما آمده است، تا آنجایی که من میدانم به طور مجده متوجه جناح‌های حاکمیت نیست. رژیم ایران فقط از امر و حکما تشکیل نشده، بلکه دارای بدنه وسیعی است که مانند همه ما ایرانی هستند و این تحولات فکری که در همه ما بعد از انقلاب به وقوع پیوسته تنها گریبانگیر بخشی از جامعه نبوده است. این تحولات سیاسی کمابیش دامن هر ایرانی سیاسی و غیر سیاسی را گرفته و رژیم حاکم بر ایران به مثابه مهم‌ترین یا بزرگ‌ترین نیروی سیاسی جامعه نمی‌تواند از این تغییر و تحولات فکری در امان باشد. البته کسانی که در رهبری هستند و منافع بیشتر و یا جرایم حقوقی بیشتری را برای خود فرض می‌کنند، آخرین کسانی هستند که به این تحولات فکری گردن می‌گذارند. ولی میلیون‌ها انسان به عنوان کارمند، مدیر کل و یا استاد دانشگاه و به عنوان کسانی که آپارات این نظام سیاسی بر دوش آنها و به توان فکری آنها متکی است، حداقل می‌دانند که در صورت استقرار دموکراسی در ایران هیچ نوع خطر بنیادی تهدیدشان نمی‌کند. و در واقع این‌ها نیروهایی هستند که باید به طور جدی به حساب آورده شوند.

پرسش: همگام با تحولات فکری سالهای اخیر در نیروهای اپوزیسیون مذاکره، گفتگو و اتحاد عمل هم در میان بخشی از آنها سامان و شدت بیشتری یافته است. جمهوری خواهان ملی ایران به رغم شرکتشان در این گفتگو و مباحثات، کمتر با نیروهای دیگر اقدام مشترک و اتحاد عمل داشته‌اند. چه دلایل و عواملی در این رابطه دخیل بوده‌اند؟

پاسخ: در این زمینه یکی، دو علت را میتوان ذکر کرد. اولاً جمهوری خواهان ملی در درون خودشان بحث‌های زیادی داشته‌اند. مثلاً بحث بر سر آن بوده است که با کدام استراتژی باید به پای همگامی و اتحاد عمل با سایر نیروها رفت. تعیین این استراتژی مدت زیادی وقت می‌گیرد. هر نوع نزدیکی و اتحاد به نظر ما نمیتواند درازمدت و مفید باشد. یک جامعه کثرت‌گرا از نیروهای مختلف سیاسی تشکیل میشود و نزدیکی و همگامی سیاسی بر اساس خط مشی و استراتژی واحد بین سازمانهای سیاسی مختلف کار معقولی است. بنابراین اولین مشکل ما تعیین، تبلیغ و پیشبرد یک استراتژی بوده است که فکر میکنم که هم در تعیین و هم در تبلیغ این استراتژی توفیق به دست آورده‌ایم. از سوی دیگر مشکل تحولات و دگرگونیها در نیروهای دیگر اپوزیسیون مانع ما بوده‌اند. زیرا معلوم نبود نیست که تاکی این تحولات سریع و پیاپی ادامه خواهد داشت و تاکی بحث و گفتگو داخلی آنها به یک ثبات سیاسی نسبی در میان آنها می‌انجامد. ولی بعنوان یک پرنسبب ماهره در پی اتحاد، همکاری و بزرگتر شدن نیروهای سیاسی بودیم. امیدواریم حالا که وضع داخلی ما هم روشنتر و استراتژی ما هم معین شده و هم میان سایر نیروها هم این بحث‌ها با شدت بیشتری جریان دارد، این همکاریها صورت عملی معینی به خودگیرد.

بقیه در صفحه ۷

نمایشگاه فرهنگ و هنر در گوتنبرگ سوئد



از آرش

جنگ

مضمون نمایشگاه بعد و کیفیت جدیدی بخشید. بخصوص آنکه در بخش دوم سخنرانی ایشان، شرکت کنندگان، که عمدتاً پدران و مادران دانش‌آموزان و آموزگاران زبان پارسی بودند، در بحث شرکت کرده و نسبت به موضوعات مختلف به گفتگو و تبادل نظر نشستند.

این نمایشگاه به همت «جمعی از آموزگاران زبان پارسی - شهر گوتنبرگ» برگزار گردید. در طول حدود ۵۰۰۰ نفر سوئدی و ایرانی از آن بازدید کردند.

چهره سرنوشت تمامی مهاجرین سرتاسر جهان است، برایش غیرقابل تصور بود. و یک سوئدی در مورد مجسمه «سانسور» چنین نظر داد: «مخوم اینکار مرا بیاد حکومت‌های قرون وسطی می‌اندازد.» و یا آقای محمد، هموطن گرامی‌مادر دفتر نظرات و انتقادات چنین نوشته‌اند:

«نمایشگاه نقاشی کودکان به نظر من تشنگترین کاری بوده که توسط آموزگاران پارسی زبان انجام شده دست مریزاد، من در ابتدای ورود تحت تاثیر قطعه پناهنده آقای آرش قرار گرفتم و بعد در میان دنیایی از شور و احساس بچه‌ها قرار گرفته و از احساس وطن پرستی اکثر آنان چنان متأثر شدم که بی‌اختیار قطرات اشک بروی گونه‌ام قلقلید....»

در روز پایانی نمایشگاه سخنرانی، شاعر و آموزگار خانم مینا اسدی در زمینه مسائل و مشکلات دانش‌آموزان مهاجر به

از تاریخ ۲۹ اکتبر تا ۲ نوامبر مهاجرین و شهروندان سوئدی، نظارتگر آثار هنری در گالری نمایشگاه

Forum Borsen در شهر گوتنبرگ سوئد بودند. آثار یادشده ترکیبی بود از نقاشی، مجسمه و کتاب. نقاشی‌های دانش‌آموزان ایرانی - مدارس شهر گوتنبرگ، کتب هنری و ادبی به زبان فارسی و مجسمه‌های موضوع گونه «آرش اسلامی» همه آثار بیان‌کننده شرح و حال اجتماعی و سیاسی ایران بود. در اکثر نقاشی‌های دانش‌آموزان طرح‌هایی از «هواپیمای بمب‌افکن»، «پرچم ایران» «کبوتر صلح» و یا «آفتاب» دیده می‌شد.

و آرش از ترکیب زنی هراسان، خمیده، با نوزادی در بغل، که از ترس بمباران هوایی بدنبال پناهی بود، پدیده دهشتناک جنگ را به نمایش می‌گذاشت.

خانم آلمانی بازدیدکننده، بادیدن مجسمه «پناهنده» گریه سرداد. گویا تصور اینکه این

در صورت تصویب یک قطعنامه جدید

شورای امنیت اعمال قهر علیه اشغال کویت را مجاز اعلام می‌کند

بقیه از صفحه اول

هنوز تردید دارند. از سوی دیگر، ۴۵ تن از نمایندگان کنگره با مراجعه به دادگاه می‌خواهند از آغاز جنگ علیه عراق بنا به تصمیم رئیس جمهور و بدون موافقت پارلمان، جلوگیری کنند.

یک مقام «دولت در تبعید» کویت گفته است که برای بیرون راندن عراق از کویت استفاده از سلاح‌های اتمی نیز بجا خواهد بود. شیخ ناصر الصباح وزیر مشاور در امور خارجه طی مصاحبه‌ای با یک شبکه رادیویی در استرالیا در پاسخ به سؤال یک خبرنگار که «آیا از بکارگیری سلاح‌های اتمی ناراحت نخواهید شد؟» گفت: «اگر این کار برای اجرای قوانین بین‌المللی صورت گیرد، به هیچ وجه...»

دولت عراق برای کسانی که دست به انبار کردن موادغذایی برنند، مجازات اعدام تعیین کرد. اقدام مشمول این مقررات عبارتند از گندم، آرد، برنج، جو و ذرت.

هنوز تردید دارند. از سوی دیگر، ۴۵ تن از نمایندگان کنگره با مراجعه به دادگاه می‌خواهند از آغاز جنگ علیه عراق بنا به تصمیم رئیس جمهور و بدون موافقت پارلمان، جلوگیری کنند.

یک مقام «دولت در تبعید» کویت گفته است که برای بیرون راندن عراق از کویت استفاده از سلاح‌های اتمی نیز بجا خواهد بود. شیخ ناصر الصباح وزیر مشاور در امور خارجه طی مصاحبه‌ای با یک شبکه رادیویی در استرالیا در پاسخ به سؤال یک خبرنگار که «آیا از بکارگیری سلاح‌های اتمی ناراحت نخواهید شد؟» گفت: «اگر این کار برای اجرای قوانین بین‌المللی صورت گیرد، به هیچ وجه...»

است، از دو بخش تشکیل می‌شود. در بخش نخست، طی اولتیماتومی به عراق، مهلتی برای تخلیه کویت تعیین می‌گردد. در بخش دوم، همه «تدابیر لازم» در صورت عدم تسلیم شدن عراق به اولتیماتوم، مجاز اعلام می‌شود.

شبکه تلویزیونی ای. بی. سی. آمریکا هفته گذشته نتایج یک نظرخوایی را منتشر کرد که به موجب آن، بسیار کمتر از نصف نمایندگان کنگره آمریکا در صورت عدم تاثیر تحریم‌ها علیه عراق، با کاربرد قهر علیه این کشور موافقت. از ۳۶۷ سناتور عضو مجلس نمایندگان که در این نظرخوایی شرکت کرده‌اند، ۴۲ درصد از اقدام نظامی جانب‌داری کردند، در حالی که ۲۱ درصد آنان مخالفت ورزیده‌اند. ۳۷ درصد

گرایش به حل سیاسی مسئله افغانستان افزایش می‌یابد

بقیه از صفحه اول

رسمی رژیم جمهوری اسلامی نسبت به کشور همسایه سخن گفت. اما این احتمال که رفسنجانی با توجه به نزدیکی‌های روزافزون به غرب از راه حل‌های افراطی و اسلامی فاصله بگیرد و بیش از پیش در جهت توافق با پاکستان و آمریکا به تنظیم سیاست‌های دولت خود در مورد افغانستان اقدام کند، یک احتمال واقعی است. گفته می‌شود که یکی از موضوعات مورد گفتگو در سفر تریپ الیوت نخست وزیر جدید پاکستان به تهران هماهنگی سیاست‌های ایران و پاکستان در مورد مسائل افغانستان می‌باشد.

تهران ضرورت برگزاری انتخابات آزاد در آن کشور را مورد موافقت قرار داده‌اند. دولت افغانستان خواهان برگزاری انتخابات توسط دولت کنونی و تحت نظارت سازمان‌های بین‌المللی است. در قطعنامه مجاهدین از اظهار نظر پیرامون این موضوع خودداری شده است، رفسنجانی و وزارت خارجه آن نیز در این زمینه موضع آشکاری اتخاذ کرده‌اند و به همین جهت نمی‌توان از تغییر سیاست

شایعه افزایش حقوق موجب گرانی بیشتر شده است

و عده‌هایی نظیر «دگرگونی کلی در حقوق و مزایا» و «تدوین ضوابط و سیستم‌های خاص» اثرات نرنت، باعث شد که زمینه برای جهش تازه قیمت‌ها فراهم شود. بطوریکه داد نمایندگان مجلس نیز در آمد، نماینده نورو و محمود آباد در جلسه ۲۳ آبان مجلس گفت: بنوعی مصاحبه کردید و وضع کارمندان را خراب کردید. توای کاسب بدان که هنوز هیچ چیز به جیب کارمندان نرفته و تو بی خود اجناس را گران کرده‌ای! شما مسئولان باید هر وقت به کارمند چیزی دادید بیان کنید.

هاشمی رفسنجانی طی بخشنامه‌ای به تمامی وزارتخانه‌ها، نهادها و سازمان‌های دولتی دستور داد از اتخاذ هر گونه تصمیمی که به طور مستقیم و یا غیر مستقیم به افزایش قیمت محصولات و خدمات گردد اکیدا خودداری کنند. در این بخشنامه گفته شده که پیشنهادات ارگان‌ها همراه با توضیحات کامل اقتصادی باید به شورای اقتصاد ارائه شود. مواردی که با استفاده از ارز آزاد یا ارز ثابتی تولید می‌شوند و موارد خاصی که شورای اقتصاد در گذشته از قیمت گذاری معاف داشته، مشمول بخشنامه نخواهد شد. رفسنجانی در این بخشنامه مدعی شده که این تصمیم در جهت اجرای اهداف برنامه اول دولت و مهار تورم اتخاذ شده است.

موضوع افزایش قیمت‌ها بر اثر وعده‌های مبهم چنان جدی شد که سخنان فوق در پیشانی سر مقاله روزنامه اطلاعات نیز درج شد و عطاالله مهاجرانی یار نزدیک رفسنجانی هم زبان به اعتراض گشود که اول حقوق‌ها را افزایش بدهید و بعد آنرا اعلام کنید! نمایندگان مخالف دولت هم‌زمان باین مصاحبه‌ها طرحی در جهت ممنوعیت دولت برای افزایش خدمات و کالاها به مجلس بردند که یک فوریت آن به تصویب رسیده است.

یکی از دلایل جدی نزول شان این قطعنامه همین نکته آخر مورد اشاره یعنی مهار تورم است که رفسنجانی اخیرا مدعی شده بود در مورد آن دولت به موفقیت‌های بزرگی رسیده است! گرانی کمر شکن در ماه‌های اخیر بویژه با وعده‌های گنگ و چندپهلوی مقامات اقتصادی دولت در مورد افزایش حقوق‌ها زمینه باز هم بیشتری یافته است. خبر «تعیین جدول حقوقی کارمندان» و اظهارات رئیس کمیسیون اموراداری و استخدامی مجلس در باره تغییر در نظام پرداخت حقوق کارمندان که از سطح

لازم به یادآوری است که چندی پیش نیز جریان مشابهی اتفاق افتاد، وعده و وعده‌هایی در مورد افزایش حقوق‌ها داده شد، قیمت‌ها گران شد و بعد همه چیز حاشاگردید!

گردهمائی رهبران ۳۴ کشور در پاریس

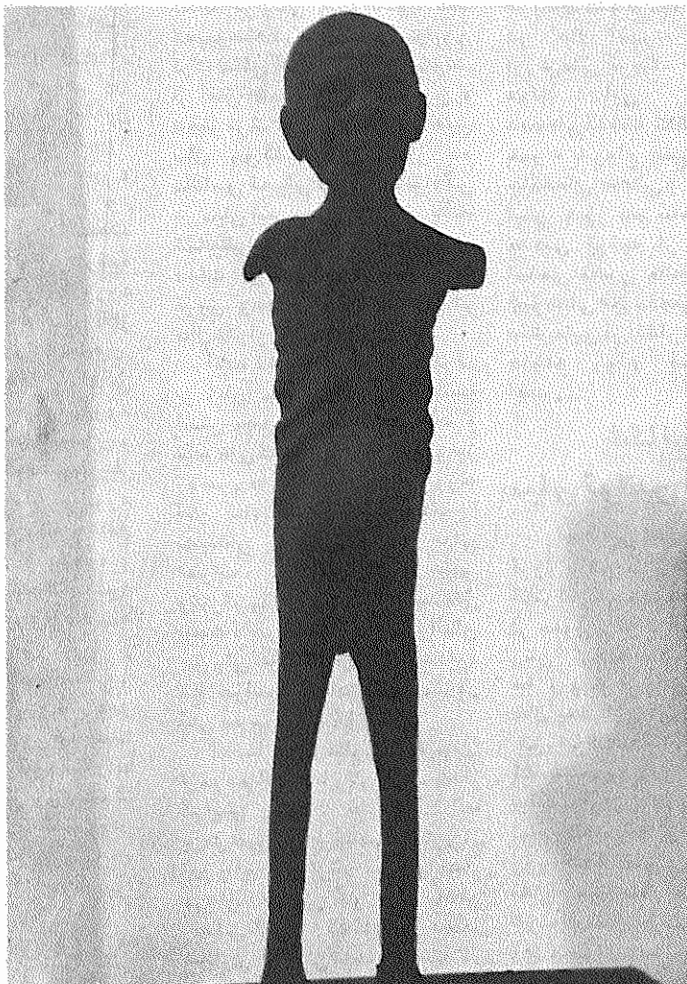
بقیه از صفحه اول

برای نخستین بار، کنفرانس امنیت و همکاری در اروپا تصمیم به تشکیل نهادهای دائمی گرفت. این ارگان‌ها عبارت خواهند بود از شورای وزیران خارجه، کمیته ماموران عالی‌رتبه، دبیرخانه‌ای که در پراگ مستقر خواهد شد، مرکز پیشگیری از بحران‌ها در وین و دفتر نظارت بر انتخابات آزاد در ورسو.

کشورهای کثیرالبله مانند شوروی، یوگسلاوی، چکسلواکی و اسپانیا تشخیص داد. برای بررسی این مسائل قرار است در ژوئیه ۱۹۹۱ در سطح کارشناسان کشورهای عضو کنفرانس امنیت و همکاری در اروپا، اجلاسی در ژنو تشکیل شود.

یکی از مسائل مورد بحث کنفرانس پاریس، چگونگی جلوگیری از مهاجرت از کشورهای فقیر شرق اروپا به اروپای غربی در صورت ایجاد تسهیلات بیشتر جهت رفت و آمد و عبور از مرزهای درون اروپا بود. کنفرانس در این مورد به نتیجه معینی دست نیافت و قرار شد کارشناسان به بررسی راه‌حل‌های این مسئله بپردازند.

اجلاس پاریس از وحدت آلمان ابراز خشنودی کرد. در بیانیه اختتامیه اجلاس آمده است اقتصاد بازار، مبنای اقتصاد کشورهای اروپا و همکاری میان آنها را تشکیل خواهد داد. این بیانیه، به کارگیری تکنولوژی پیشرفته و اخترا از تولید زیاده را برای حفظ محیط‌زیست، از اهداف درجه اول کشورهای عضو دانسته است. پیش‌بینی شده است که در این زمینه به کشورهای فقیرتر، کمک شود.



گرستگی

شلاقی برگرده، بچه‌های درشکم

آنچه در خانواده های سنتی ترکیه بر زنان می‌گذرد، ریشه در همان دیدگاه‌های زن ستیز جمهوری اسلامی دارد

هفته‌نامه اسپیکل در شماره اخیر خود از وضعیت زنان ترک در آلمان گزارش درنگ‌انگیز و تکانه‌های منتشر ساخته، که در کلیت خود اناشاکر مبنای و باورهای زن ستیز جمهوری اسلامی نیز هست. گزارش گرچه از دید یک ناظر خارجی نوشته شده، اما حاوی واقعیات بسیاری است که نه تنها در خانواده‌های ترک، بلکه کمابیش در جامعه ما نیز جزئی از زندگی جاری و روزمره‌اند. زنان ما نیز از رهگذر دیدگاه‌ها و سیاست‌های متحجر جمهوری اسلامی روزگار بهتری ندارند و زندگی آنها نیز از رنج‌ها، بی‌حقوقی‌ها، بدرفتاری‌ها و بی‌پناهی‌ها آکنده است.

تجربه ترکیه اما نشان میدهد که مسائل زنان در جامعه ما نیز تنها با برکناری رژیم جمهوری اسلامی برطرف نخواهند شد. با رفتن این رژیم گرچه بارگرانی از دوش زنان برداشته خواهد شد، لیکن تا حل نسبتاً کامل مسائل آنان راه درازی در پیش خواهد بود. واقعیت این است که رها شدن زنان از رنج‌ها و نابرابری‌ها و فرار و پیدن آنها به انسانی خودآگاه، فعال و برابر حقوق در همه عرصه‌های اجتماعی نه‌بازور، نه با قوانین خشک و خالی و نه با شعارهای تجریدی و پرآب و رنگ فمینیستی دست یافتنی نیست. لازمه این امر آموزش و سوادآموزی فراگیر، گسترش امکانات تحصیلی و کارآموزی زنان و ایجاد محل‌های مناسب کار و اشتغال برای آنها، ارتقای سطح فرهنگ عمومی و پرورش روح تفاهم و همبستگی در جامعه، اشاعه ارزش‌ها و معیارهای نوین بجای باورها و سنن متحجر و اسارت‌زا و نیز وضع قوانینی است که خود زنان بیش از همه به اهمیت و ارزش آنها واقف و آگاه باشند. پیداست که چنین فرآیندی کار سالها و دهه‌هاست و جنبش چپ و دمکراتیک ایران در این راستا راه دراز و وظیفایی دشوار پیش‌رو دارد.

گوشه‌ای از پارک جنگلی مونیخ سروصدای پرندگان با ناله زنانه‌ای در هم آمیخته است. رهگذران گوش می‌دارند و با پی‌گرفتن رد ناله به جایگاه واقعه می‌رسند. آنکه خونین بر زمین افتاده، از خانواده‌ای ترک. فکریه مسیتوگلو دلبسته پسر کردی است به نام علی و خواهان ازدواج با او. خانواده مسیتوگلو اما مخالف این ازدواجند و اصرار نمی‌برند. از این رو علی و فکریه بر آن می‌شوند که با پنهان شدن در خانه یکی از نزدیکان خانواده را برای اعلام موافقت زیر فشار گذارند. ولی محمد، برادر فکریه، نماند که آنها را می‌یابد به آنجا رفته و با لحنی مهربان به فکریه می‌گوید: «بابا و ماما بخاطر سعادت تو به ازدواج با علی رضایت داده‌اند. حالا بیا برای خرید لباس هروسی به شهر برویم.» فکریه ناباورانه محمد را می‌نگرد و از رفتن با او سر باز می‌زند، اما صرار محمد او را سست پا می‌کند و سرانجام راه می‌افتد. محمد ابتدا برای آنکه فکریه شکی نبرد، به سوی شهر می‌راند، ولی نزدیکی‌های شهر می‌پیچد و راه پارک جنگلی را در پیش می‌گیرد. آنجا با بیرون کشاندن فکریه از ماشین وی را بر زانو نشاند و بایک تیرنقش‌زمنش می‌زند و می‌گوید: «او آبروی خانواده ما را برده بود.» از آن زمان دیگر آفتابی نشده است. پلیس مونیخ به زودی حدس می‌زند که وی در این ماجرا احتمالاً تنها نبوده است. دو ماه پس از قتل فکریه پلیس به پدر وی مشکوک شده و او را دستگیر می‌کند. به گمان پلیس وی اگر نه در قتل، دستکم در طراحی آن دست داشته است.

نمونه‌ای نه چندان نادر

مرگ زود هنگام فکریه یکی از صدها تراژدی خانوادگی است که پیوسته در میان ۱/۶ میلیون ترک ساکن آلمان تکرار می‌شوند. از آغاز اقامت ۷۵۰ هزار زن و دختر ترک در آلمان اینک چندین سال می‌گذرد، اما هنوز هم هنگامی که پای مسائل خانوادگی در میان آید، برخورد مردان با آنها کمابیش بسان رفتار و آداب در دهات ترکیه است. گویی که قرون وسطی در قلب اروپا در حال تکرار شدن است. آنچه که در خانواده‌های ترک بر زنان می‌رود، برای آلمانیها کمتر مهم و توجه‌انگیز است و لباس‌های ضخیم و سرآپوش و نیز روسری‌های کلفت و بی‌روزنه آنان که پیوسته همچو و متلک را نصیبشان می‌سازد، هم برای احزاب و اتحادیه‌های صنفی و کارگری مسئله برجسته‌ای نیست. آخر زنان ترک که در آلمان حق رای ندارند، پس چه فایده دارد که احزاب و اتحادیه‌ها به مسائل آنان هم بپردازند؟

اهانت و بدرفتاری بخش‌هایی از مردم آلمان با زنان ترک که از گرایش ضد خارجی آنها برمی‌خیزد، و بی‌پناهی بسیاری از این زنان در برابر زور و فشار مردان خویش دو وجه اصلی زندگی آنان را تشکیل می‌دهند. بسیاری از زنان ترک پیوسته در معرض ضرب و شتم مردان خویش قرار دارند و ترس از شوهران و

پدران مهاجم و بدرفتار در زندگی آنها پدیده‌ای هادی است. کارین کونینگ، جامعه‌شناسی که عرصه کارش زندگی خانواده‌های ترک است، می‌گوید: «زنان ترک در جامعه آلمان به اقلیتی حاشیه‌ای و فراموش شده تبدیل شده‌اند که در چهار دیواری‌های خویش مرگ روزمره و بی‌سرو صدایی را تجربه می‌کنند.» به باور برخی از مددکاران اجتماعی افشاکاری و روشن سازی آذهان عمومی مردم آلمان نسبت به وضعیت زنان ترک نتایج مثبتی نخواهد داشت، زیرا که آشنایی آنها با این مسئله تنها گرایش ضد خارجی را تشدید کرده و مردان ترک به آماج اصلی این گرایش بدل خواهند شد.

همچون بسیاری از خونریزی‌های دیگر در میان خانواده‌های ترک، مثل فکریه نیز از دیدگاه و نگرش‌های سنتی درباره ازدواج و رابطه زن و مرد نشأت می‌گیرد. در این دیدگاه زنان پیوسته تقصیرکار و مردان هاری از تقصیرند، و گرنه میتوان پرسید که چرا به جای فکریه، علی به قتل نرسید. به گفته دیگر این فرهنگ واپس‌گرا و متحجر بیشتر از همه گریبان زنان را می‌گیرد. کارکرد و پیامدهای این فرهنگ به گونه‌ای است که بسیاری از زنان ترک پس از سالها اقامت در آلمان هنوز هم از تماس هادی و ضروری با محیط پیرامون خود عاجز و در انجام امورات هادی و بیرون از خانه خویش معمولاً به کمک دیگران نیازمندند. پژوهش‌های مربوط به وضع زنان ترک در آلمان حاکی از آنند که بیشتر از همه خارجیهای آلمان بيشتر از همه خارجیهای دیگر است.

درواقع از خانواده‌های ترک ساکن آلمان از محیط سنتی - مذهبی ترکیه‌کننده شده و به یکباره در محیطی با معیارها و ارزش‌های فرهنگی متفاوت قرار گرفته‌اند. گرچه جامعه ترکیه از سالها پیش در حال تجربه معیارها و ارزش‌های فرهنگ غربی بوده و دولت این کشور در دهه‌های گذشته تلاش ورزیده که همراه با رواج چنین ارزش‌هایی جامعه‌ای صنعتی و مدرن بسازد، لیکن هنوز هم ساختار سنتی - مذهبی ترکیه از دگرگونی‌های اساسی مصون مانده و فرهنگ شیوه‌های غیرمذهبی جز در میان بخش‌هایی از اشرار میانی و بالایی جامعه رواج چندانی نیافته است...

شکاف

میان قوانین و واقعیت راست این است که از دهه ۲۰ قرن حاضر از رهگذر اصلاحات آتاترک زنان و مردان ترکیه قانوناً از حقوق برابر برخوردار شده‌اند. زنان ترکیه سال ۱۹۳۴، ۱۰ سال پیش از زنان فرانسه و ۱۸ سال پیش از زنان یونان، صاحب حق رای شدند؛ و این نکته‌ای است که سیاستمداران ترکیه گاه و بیگاه به آن می‌بالند و فخر می‌کنند. اما واقعیت‌ها با قوانین نوشته روی کاغذ تفاوتی بارز و آشکار نشان می‌دهند. در واقع برخی ضرب‌المثلهای ترکی در باره روابط زن و مرد معتبرتر و صائب‌تر از قوانین اند. یکی از این ضرب‌المثلهای می‌گوید: «مرد

همچون دانه است وزن همچون زمین، و زمین هم که در همه جا یافت می‌شود.» و ضرب‌المثلی دیگر می‌گوید: «زن باید شلاقی برگردد و بچه‌ای در شکم داشته باشد.» چون نیک بنگریم زندگی زنان ترک در خانواده‌های سنتی دقیقاً با این ضرب‌المثلهای خوانی و تطابق دارد و به رقم توانین دلغریب هنوز هم این زنان بندگان در چه دو خدا حساب می‌آیند. در آلمان نیز زنان ترک روزگار بهتری ندارند. آنها در اینجا نیز دستمزد کمتری دریافت می‌دارند و کمتر صاحب هویت برجسته اجتماعی می‌شوند. فرصت آموزش و کارآموزی هم برای این زنان کمتر دست می‌دهد و از این رو به کارهای پست روی می‌آورند. تحمل بدرفتاری و اهانت در محیط کار و نابرخورداری از تامين اجتماعی از دیگر شاخص‌های زندگی این زنان است و همه این عوامل سبب می‌شوند که وابستگی زن به نان آور اصلی خانواده (مرد) دست نخورده بماند.

در ترکیه رابطه و مناسبات زن و مرد چهار چوبی خشک و آیه‌وار دارد: مردان نماینده خانواده در بیرون از خانه‌اند و جایگاه محتوم زنان خانه است. کار جانفوسا که مزارع و کشتزارها که برای مردان نامناسب شمرده می‌شود، نیز تمام و کمال به زنان واگذار می‌گردد.

اما مرد ترک در آلمان نمی‌تواند در بیرون از خانه آتچان که می‌خواهد، بپردازد و فرور مردانه خویش را ارض کند. وی به عنوان رفتگر، کارگر ساختمانی و یا... چه به سبب خارجی بودن و چه به سبب عدم تسلط بر زبان آلمانی پیوسته مورد بی‌اهنجاری و اهانت همکارانش قرار می‌گیرد. چنین انسانی شب‌ها با فرور جریحه‌دار به خانه می‌آید و حقارت و سرخوردگی‌اش در محیط کار را بر سر زنان خالی می‌کند.

برای مردان ترک البته «بیرون» تنها به محیط کار محدود نمی‌شود، وی می‌تواند بی‌اهتتا به نیازهای روحی و عاطفی خانواده خویش ساعت‌ها در قهوه‌خانه‌های مخصوص ترکان به چای و گپ و تخته‌بازی بپردازد و یا اگر املش باشد سری هم به تماشای فیلم‌های سکسی و یا دیدن دختران آلمانی برود. اما زنان ترک ناچارند که پیوسته در خانه بمانند و یا تنها برای کار پست و کم درآمد خود از خانه خارج شوند. بجز آن بیرون رفتن زنان ترک هم‌دتا به خرید از بقالی سرکوبه محدود می‌شود. در فرهنگ سنتی ترکیه محدودیت زنان در خروج از خانه چنین مدلل می‌شود: آنکس که زیاد بیرون می‌رود، کثافت بیشتری با خود به درون می‌آورد.

فیلم «آلمان ۴۰ متر مریعی» که انفراد و انزواي زنان ترک را تصویر میکند، حکایت زن دهاتی ترکی است که پس از ازدواج توسط مردش به آلمان آورده می‌شود و بی‌هیچ تماس و ارتباطی با محیط مجبور است شب و روز در خانه‌ای ۴۰ متری به سر آرد و تنها به بازگشت مردش از کار روزانه و گپی احتمالی با اولدخوش‌کند، وی حتی در روزهای تعطیل نیز امکان بیرون رفتن را نمی‌یابد. شوهرش به او می‌گوید: «بیرون خطرناک است، پشت درخانه

فواحش ایستاده‌اند.» فیلم به رقم جنبه‌های انفراد آمیز دارای یک پیش‌زمینه واقعی است. نویسنده فیلمنامه درونمایه فیلم را با العام از زندگی زن ترکی نوشته که اغلب روزها جز نشستن پشت درچه و نگاه کردن به بیرون تماس دیگری با محیط نداشته است. شوهران و پدران سنتی ترک اغلب مراقبتند که زنان خانه خودسرانه و بدون اجازه از خانه خارج نشوند، در این مراقبت و کنترل دایمی‌ها، هموئا، خویشان دور و نزدیک، دوستان برادر، همکاران پدر و همسایگان نیز همکاری میکنند. اگر دختری بدون همراه و محافظ خودسرانه از خانه خارج شود معمولاً مورد بدگمانی قرار گرفته و بکارت وی سوال انگیز می‌شود.

مرد خانه برای پاسداری از آبروی خود باید با اقدامات لازم علیه این گونه سوال‌ها و تردیدها وارد عمل شود.

بکارت دختران و باقی قضایا

دوستی و رابطه دختر با مرد بیگانه گرچه در شرق اروپا هم بد شمرده می‌شود، اما در میان خانواده‌های سنتی مسلمان بیش از هر جای دیگر مشکل ساز و تلاطم زاست. برای نمونه صبح روز بعد از هروسی بستگان و خویشان برای اطمینان از بکارت هروس و عدم تماس قبلی وی با مردی دیگر، ملحقه هروس و داماد را جهت دیدن خون واری می‌کنند. اگر خونی دیده نشود، موائب ناگواری برای هروس در پی خواهد داشت. در بخشهایی از ترکیه هنوز هم رسم بر آن است که محلقه خون آلود را روز پس از هروسی بر سر در خانه می‌آویزند، تا همگان بکارت هروس را باور کنند.

حال اگر به رقم همه مراقبت‌ها و کنترل‌ها دختر به میل خود و بدون اجازه دوستی انتخاب کند و در این میان فاقد بکارت شود، چه خواهد شد؟ والدین چنین دختری میتوانند با پرداخت مقداری پول باکرگی دختر را به وی باز گردانند. اما رنج و دردی که در این میان نصیب دختر میشود، ننگینی است. در برلین، آمستردام، استانبول و... دختران زانی یافت میشوند که با دریافت ۳۰۰ تا ۱۰۰۰۰ مارک، از طریق جراحی بکارت را به دختران باز میگردانند. از آنجایی که بکارت احیا شده ناپایدار و کم دوام است باید جراحی کمی بیش از هروسی انجام یابد، مشکل اما آنجاست که این جراحی با دردهای شدید و تاب ربا همراه است، به گونه ای-که برای دختر جراحی شده بعضاً راه رفتن هادی غیرممکن میشود، و مشکل بزرگتر آن که هروس در شب هروسی بی‌چون و چرا باید بر قصد برای معاف کردن چنین هروسانی از رقص، خانواده‌های آنها کلک‌های مختلفی سوز می‌کنند. مثلاً در برلین با دادن رشوه به یک راننده تاکسی وی را راضی میکنند در نزد بستگان و خویشان هروس و داماد شهادت دهد که هروس به سبب تصادف با تاکسی وی توان راه رفتنش نیست. راست این است که دختران خانواده‌های سنتی ترک روز بروز

در انتخاب همسر آینده خویش حق اظهار نظر بیشتری می‌یابند، اما هنوز هم به طور عمده حرف آخر را والدین می‌زنند. معمولاً در یک مهمانی ویژه داماد با دادن ۵ تا ۱۰۰۰۰ مارک به خانواده هروس «بله» را از زبان آنها می‌گیرد. دختران ترک ساکن آلمان در ترکیه خواستاران بسیار دارند، زیرا که طبق قوانین آلمان همسران آنان نیز تحت شرایطی از اجازه اقامت در این کشور برخوردار میشوند. از اینرو «بله» گرفتن از والدین چنین دخترانی ممکن است برای داماد تا ۳۰۰۰۰ مارک خرج بردارد. پول که پرداخت شد، هروس و داماد آینده اجازه می‌یابند لحظه ای در چشمان یکدیگر بنگرند و همدیگر را بیشتر ورناداز کنند. طبیعی است که ازدواجی از این دست معمولاً با پیامدهای ناخواسته و ناسازگارها همراه باشد. هم اینک در بسیاری «خانه‌های زنان» آلمان (اقامتگاه زنان بی سرپرست و فراری از خانه) زنان ترک رقم چشمگیری را تشکیل میدهند. اما این خانه‌ها نیز برای آنها جای امن و بی‌خطری نیست. بسیاری مواقع مردان این خانه‌ها شده و زنان با کلک وارد این خویش را کشتان کشتان می‌برند. توجیه چنین رفتار خشونت آمیزی را هم مردان سنتی ترک همیشه در آستین دارند: آیه ۴ سوره ۴۳ قرآن. در واقع این مردان هم متمم‌اند، هم قاضی‌اند و هم مجری حکم. برای نمونه چند سال پیش مرد کردی از ترکیه وارد «خانه زنان» شهر کینس شد و با ۳۰۰ هزاره کرد همسر فراری‌اش را به سختی مجروح نمود. در مورد دیگر در اشتوتگارت یک ترک ۲۹ ساله یک حلقه تیر کامل را به سوی همسر فراری‌اش نشانه رفت و پس از فرو افتادن زن نیز تیر اندازی را ادامه داد. وی در دادگاه گفت: «من فقط می‌خواستم او را به خانه باز گردانم.» زنان ترک حتی در «کانون‌های اطلاعات و تبادل نظر برای زنان ترک» (مراکزی که برای رسیدگی به مسائل زنان ترک بر پا شده‌اند) نیز از چنین تعاجماتی در امان نیستند. در این مراکز به زنان ترک یاری میشود که با شناخت بیشتر حقوق خویش در برابر زورگویی و تعدیات مردان ایستادگی کنند، از اینرو چنین مراکزی خوشایند مردان ترک نیست. چندی پیش مرد ترک ۴۰ ساله‌ای با وارد شدن به کانون اطلاعات و تبادل نظر زنان ترک در برلین سراغ زنی بنام لیلیا را می‌گیرد. هنگامی که وی به درون مرکز فرا خوانده میشود، تپانچه خود را بر کشیده و شروع به تیر اندازی میکند که در نتیجه آن یکی از کارکنان این کانون مجروح و یک زن ترک ۳۹ ساله به نام فاطمه از پادر می‌آید. زنان گرد نغراز و خود آگاه ترک نیز بهیچوجه جانشان در امان نیست، فمینیست‌ها که جای خود دارد. طرف سالمی گذشته دو زن ترک فعال در امور و مسائل زنان به سختی مورد حمله قرار گرفته و تپایی مورد ضرب و شتم واقع شده‌اند. یکی از این زنان به نام نادیره از سوی شوهر سابقش مسعود حبس، شکنجه و مورد تجاوز قرار گرفته و فرزند ۴ ساله آنها که سرپرستی‌اش را نادیره بعداً داشت، ربوده و به



سئوالی که سر سبز بر باد میدهد

راست این است که والدین ترک روز به روز در برابر خواست دختران برای آموزش و کارآموزی انعطاف و تقاضم بیشتری نشان می دهند. اما این دختران پس از تحصیل و دستیابی به کار و استقلال مالی معمولاً نفوذ و اعتبار مردان خانه را زیر سوال برده و حاضر نیستند همچون گذشته به امر و نهی آنها گردن نهند، و این پدیده ای است که ابداً خواهشاند مردان ترک نیست. این مردان همچنین از اینکه دختران و یا خواهرانشان در جریان آموزش و کارآموزی با مردان فریبه تماس و دوستی برقرار کنند، سخت بیمناک و نگرانند.

اداره کار مونیخ برای مقابله با این گونه نگرانیهای والدین، یک آموزشگاه خیاطی زنانه دائر کرده و تضمین داده است که هیچ مردی به آنجا راه نخواهد یافت. گیریم که چنین ضمانتهایی مردان ترک را برای دوره کارآموزی هم که شده، آسوده خاطر نگه دارد، پس از آن چه خواهند کرد؟ آیا آنها قادر خواهند بود، باز هم به دختران آگاه تر و مستقل تر خویش امر و نهی کنند؟

فاطمه ۲۰ ساله با حجاب کامل اسلامی از کارآموزان آموزشگاه خیاطی فوق میباشند و نخستین زنی است که در خانواده خود صاحب گواهینامه رانندگی شده است. فاطمه در نظر دارد که پس از اتمام آموزشگاه پول جمع کرده و خانه مستقلی را برای خود دست و پا کند. تنها هنگامی که وی داشتن یک خانه جداگانه را به مسئولین ثابت کند، شوهر وی اجازه خواهد یافت که از آناتولی ترکیه به نزد وی نقل مکان کند. تا آن زمان فاطمه باید با خانواده خود زندگی کرده و از آنها پول توجیبی دریافت دارد.

از لم ۱۸ ساله و موتلو ۱۹ ساله نیز مایلند که پس از اتمام آموزشگاه از وابستگی به خانه رها شده و دوستان و همسران خود را شخصا انتخاب کنند. موتلو باقیافه ای حق به جانب میپرسد: "آخر چرا نباید اینجوری باشد؟"

این در واقع همان سئوالی بود که سر سبز فکریه را بر باد داد.

مترجم: ج. بهداد

مدتی در خانه حاضر نیست. چنین دخترانی اغلب به زن جنبی پدران خود بدل میشوند و از آنجایی که باید بکارتشان تا دهان یا پشت به رضای فریزه پدر بردارند، در برابر این رفتار غیر انسانی، دختران ترک معمولاً کمتر از دختران آلمانی واکنش نشان میدهند، زیرا شرم و آزرمتان اغلب مانع از آن است که دم بر آرند و از رنجی که میبرند سخنی بگویند.

در برخی موارد چنین پدرانی همه معیارهای خود را کنار گذاشته و بکر نماندن دختر و یا بارداری او هم واهمه ای به دل راه نمیدهند. برای نمونه یوسف الف، ۳۵ ساله از کار دختر ۱۸ ساله خود، کادیره، را ۲ تا ۳ بار در هفته مورد سو استفاده جنسی قرار می داده است. همسر یوسف قبلاً با چشم پوشی از حق حضانت بر فرزندان از وی طلاق گرفته بود. سرانجام پس آنکه کادیره سه بار از پدر خویش باردار شده و سقط جنین می کند، خواهر ۱۷ ساله اش تاب نیاورده و جریان را به پلیس اطلاع میدهد.

به گفته خانم زنا زنگر، مسئول یک خوابگاه اضطراری برای زنان زیر فشار، دختران ترک تنها پس از تحمل فشارها و رنجهای بسیار به فرار از خانه دست میزنند. ضرب و شتم های بسیار، لکه های کبود در تمام بدن، حبس های چند روزه و سو استفاده های جنسی مکرر از مواردی هستند که این دختران پشت سر میگذارند تا بالاخره خود را به ادارات و سازمانهای مسئول معرفی کنند. برخی از این دختران پس از آن همه فشار و سختی چنان روان نژند و پریشانند که باید روانه تیمارستان شوند.

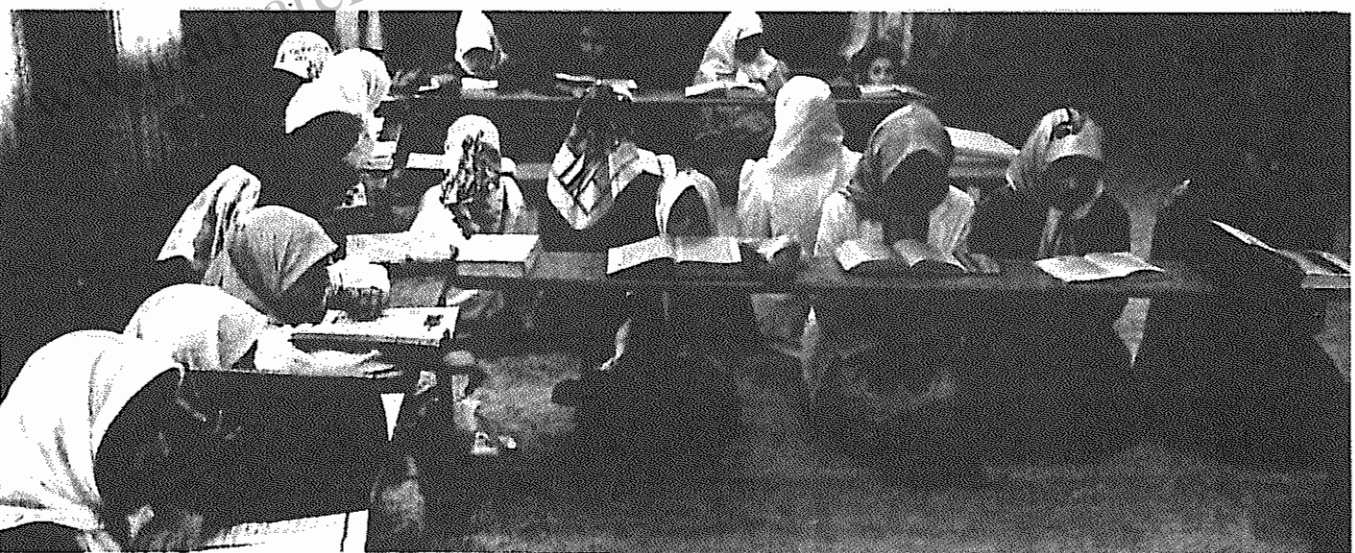
در مورد فرار دختران ترک از خانه آمار دقیقی در دست نیست. اما برای نمونه خوابگاه پاپاتیا در برلین که مخصوص اسکان چنین افرادی است، از سال ۱۹۸۵ تاکنون پذیرای ۴۰۰ دختر ترک ۱۳ تا ۱۸ ساله بوده است. سرپرست این خوابگاه، خانم اوته مولر هانن، میگوید: "بیشتر این دختران مورد بد رفتاری پدر و برادران خویش بوده و یا از سوی آنها مورد سو استفاده جنسی قرار گرفته اند..."

میکنند. در مرز آلمان - اتریش آسمون به هوش آمده، از ماشین کم سرعت پایین میپرد و ماموران مرزی را از ماجرا مطلع میکند. هلی و خواهرش دستگیر شده و دختران برای شستشوی معده به بیمارستان انتقال مییابند.

بدر و با همه

ارزشها و منجاریها

دختران خانواده های سنتی ترکیه پیوسته در خانه به بازگشت به ترکیه و ازدواج با یک مرد ناشناس تمهید میشوند، برای



پدران مهم نیست که این حرفها چه تأثیرات سوئی بر روحیه دختران به جای میگذارد. آیه، دختر ۱۶ ساله ترک، در کتاب خود با نام "ما کجایی مستیم؟" میگوید: "مرد ترک در خانه صاحب انسانها و اسباب خانه است و در عمل هم برای او انسانها و اسباب خانه تفاوت چندانی ندارند."

این احساس تملک گهگاه تا سو استفاده جنسی از دختران نیز گسترش می یابد. پدران در چنین مواردی همه آن غیرت و تعصب خود در باره "ناموس" و "آبرو" را از یاد میبرند و نشان میدهند که ارزشهای اخلاقی آنان تا چه مایه متناقض و میان تهی است. یکی از مسئولان "گروه خانه و رسیدگی به امور خانواده" که به مسائل خانواده های ترک آشناست، میگوید: "دخترانی بیشتر مورد چنین سو استفاده ای قرار میگیرند که دیر هنگام و در سنین جوانی به آلمان می آیند و معمولاً ما در آنها هم به دلایل گوناگون

ریخته نشود. و اکتعیت آن است که استاده دختران ترک از امکانات آموزشی به گسترش خود آگاهی و رشد شخصیت و بالطبع به افزایش اعتماد بنفس و استقلال بیشتر آنها می انجامد، امری که محلی برای کشمکش مادران با آنها میتواند باشد. خزون بر آن ترس مادران از اینکه از سوی شوهران خویش بخاطر "هصیان" دختران به بی هرضگی متهم شوند، آنها را وامیدارد که گهگاه همان رفتار مردان نسبت به خویش را به روابط خود با دخترانشان سرایت دهند. به گفته کریستا مولر، کارشناس امور تربیتی؛ والدین ترک معمولاً نسبت به ندای کمک و مدد خواهی دختران خویش بی اعتنا هستند و بی عملی والدین تفاوتی و بی عملی والدین موتلو ۱۶ ساله اظهار تعجب و شگفتی میکند. تحقیقات نشان میدهد که این دختر با مادر خود رابطه ای پر تنش داشته است. به گفته موتلو، هنگامی که وی ۹ سال بیشتر نداشته است، مادرش وی را به سبب تاخیر در بازگشت از خرید به دوختن آلت تناسلی اش تمهید می کند. سپس از آن نیز موتلو پیوسته بخاطر دیدار با دوستان دختر آلمانی اش با فشار و خشونت مادر مواجه بوده است، از همین رو سرانجام تصمیم به خودکشی گرفته و خود را از پنجره به پایین پرتاب میکند، اما جان به در میبرد. پس از این رویداد حق حضانت موتلو از مادرش گرفته شده است. وی اینک در یک خوابگاه بسر میبرد و سال دیگر مدرسه را به پایان خواهد برد.

خانواده های سنتی ترک معمولاً به مسئولان مربوطه امکان نمیدهند که به مسائل دختران آنها رسیدگی کرده و

ارزشها و منجاریها

ارزشها و منجاریها

ارزشها و منجاریها

نیگویند. تضاد میان ارزشها و منجاریهای خانواده های سنتی ترکیه و فرهنگ باز و متفاوت آلمان برای جوانان و بویژه دختران ترک نیز دشواری زاست. آنها روزها به هنگام رفتن به مدرسه به آلمان وارد میشوند و شبها با رجوع به خانه دوباره به ترکیه باز میگردند!

در حالی که با پسران ترک از همان کودکی همچون شاهزاده رفتار شده و به آنها مثلاً در مورد انتخاب نوع لباسشان حق نظر داده میشود، دختران باید بدون چون و چرا سراپای خود را پوشیده و با حجاب کامل اسلامی به مدرسه بروند، آنها در اوج تابستان نیز حق برداشتن روسری خود را ندارند. به رقم توجه بر انگیز بودن چنین لباسهایی در خیابانهای آلمان، والدین ترک از دختران خویش توقع متناقضی دارند: "تو در بیرون از خانه نباید چشمزن و توجه بر انگیز باشی و باید همیشه حجاب خود را حفظ کنی."

رنج و فشاری که دختران ترک در خانواده های سنتی تحمل می کنند، بر آنها تأثیرات و پیامدهای روحی و روانی بسیاری برجای میگذارد. به گفته یک کارشناس امور روانی و تربیتی بسیاری از دختران مدرسه رویی که وی میشناسد، شبها رختخواب خود را خیس میکنند. چنین عارضه ای بیشتر در افرادی دیده میشود که از لحاظ روحی و روانی ناراحت و زیر فشارند. در بسیاری از دختران ترک خود آزاری، کندن مو و سوزن خواری پدیده ای چشمگیر است. برخی از آنها یکبار خودکشی را هم تجربه کرده اند. مشکل اصلی چنین دخترانی که در سنین ۱۰ تا ۱۸ قرار دارند، عبارت است از احساس تنهایی،

بندرت کاری و در آمدی پیدا میشود و این یعنی آنکه این زنان باید فکر جدایی را از سر به در کرده و به زندگی رنج آمیز خود بی چون و چرا ادامه دهند. به قول یک پزشک متخصص در امور تنظیم خانواده قوانین آلمان به چماق مردان ترک بدل شده است.

زنان ترک برای مقابله با رنج و حرمان زندگی و کاستن از هم بی پناهی خویش معمولاً به اسپرین، هیوم، نوالژین و... رو می آورند. به گفته یک زن روانشناس ترک به نام لالا گوزلو بیشتر زنان ترک به اسپرین معتادند و تشنج، بی خوابی، کمردرد، خستگی و... در میان آنها پدیده هایی رایج و هادی اند. مشکل آنجاست که عدم آشنایی این زنان با زبان آلمانی مانع تشخیص درست پزشکان از رنج و بیماری آنهاست. مددکار اجتماعی خانم باران میگوید: "زنان ترک هنگام مراجعه به پزشک با سرفه افتاده و چشمانی گودرفته روبروی وی می نشینند، ولی سخن چندانی

ترکیه برده میشود. در مورد دوم حدیثه، مددکار اجتماعی و از فعالین امور زنان، مورد حمله یک مرد هم وطنش قرار میگیرد. حدیثه در صدد بود به دختر ترکی کمک کند که بر خلاف میلش میبایست به عقد مردی به نام عرفان در آید. یک روز صبح عرفان به در خانه حدیثه میرود و ضمن ناسزاگویی ۲۸ ضربه کارد در بدن وی مینشاند. خوشبختانه حدیثه توانست دوام بیاورد و از مرگ وارم.

جدایی

گزینشی بی چشم انداز

جدایی از همسر برای زنان سنتی ترک اقدام خطرناکی می نماید که نه تنها به از دست دادن بچه ها، بلکه به قیمت گسست از کل خانواده تمام خواهد شد. این زنان اگر هم خطر کرده و از مردان خود جدا شوند، معمولاً کامیاب نمیشوند، زیرا هیچگاه یاد نگرفته اند که بر روی پای خویش ایستاده و تنها زندگی کنند، آنها از همان آغاز با اندیشه وابستگی محتوم به مرد پرورش می یابند.

قوانین مربوطه به اتباع خارجی نیز کار زنان ترک را دشوار تر ساخته است، زیرا اقامت زنان ترک در آلمان تا هنگام زندگی مشترک با مردان خویش امکان پذیر است. تنها ۴ سال پس از زندگی این زنان میتوانند به تنهایی درخواست اقامت کنند، اما با خواست آنها هنگامی موافقت میشود که از لحاظ مالی متکی به خود باشند و از اداره تأمینات اجتماعی تقاضای کمک نکنند. در عمل برای زنان ترک که معمولاً امکان و فرصت آموزش و کار آموزی ویژه ای را نداشته اند،

بندرت کاری و در آمدی پیدا میشود و این یعنی آنکه این زنان باید فکر جدایی را از سر به در کرده و به زندگی رنج آمیز خود بی چون و چرا ادامه دهند. به قول یک پزشک متخصص در امور تنظیم خانواده قوانین آلمان به چماق مردان ترک بدل شده است.

از رویدادهای ایران

گروه دیگری از اسرای ایرانی آزاد شدند

مستند که در دادگاه‌های عراق و جمهوری اسلامی به دلیل ارتکاب جرایم مختلف، محاکمه و محکوم شده بودند. هنوز ارقام دقیقی در مورد تعداد اسرای باقی مانده در دو کشور در دست نیست، گفته می‌شود هنوز چند هزار اسیر ثبت نام نشده ایرانی در عراق و به میزان بیشتری اسرای عراقی‌گرفته‌شده ایران وجود دارند. دورژیم در این زمینه اطلاعات دقیقی منتشر نکرده‌اند و از اسرای باقی مانده بعنوان سلاخی در مناسبات میان خود سود می‌جویند. هیچ‌گونه تاریخی در جهت ادامه تبادل اسرای باقی مانده تعیین نشده است.

روز ۳۰ آبان ماه، پس از چندین ماه وقفه در مبادله اسرا، گروه دیگری از اسرای ایرانی به کشور بازگشتند. توافق در مورد بازگشت اسرای ایرانی در جریان سفر اخیر ولایتی به بغداد به دست آمد. زادیوی جمهوری اسلامی خبر این توافق و بازگشت اسرای ایرانی را از قول خبرگزاری عراق اعلام داشت. در گزارش این خبرگزاری گفته شده بود که ۲۳۹ اسیر ایرانی روز ۲۱ نوامبر (چهارشنبه گذشته) به ایران مراجعت می‌کنند، در قبال این عده قرار است ۱۷۹ اسیر عراقی آزاد شوند، اما تاریخ بازگشت آنان هنوز اعلام نشده است. این دو گروه شامل کسانی

دیدار وزیر خارجه یمن از تهران

وزیر خارجه یمن قبل از ترک تهران، سفر خود را به مقابله نقطه تحولی در روابط دو کشور خواند.

از شروع بحران خلیج فارس تاکنون این سومین سفر مقامات بلندپایه یمن به تهران بوده است، قبل از عبدالکریم ارجانی وزیر خارجه یمن، رئیس پارلمان و قائم مقام وزرات خارجه آن کشور نیز به تهران سفر کرده بودند. این تماس‌ها سوی دولت رفسنجانی با هدف فعال کردن سیاست خارجی رژیم نسبت به کشورهای منطقه و گسترش رابطه با آنان صورت می‌گیرد.

دیدار مدیران شرکت کروپ با سرمایه داران ایرانی

عامل کنسرسیوم کروپ در پاسخ به اظهارات معاون وزیر امور اقتصادی گفت: ما دوران جدیدی را آغاز می‌کنیم تا به زمینه افزایش همکاری در آینده بپردازیم. وی گفت: هدف ما از سفر به ایران بالا بردن زمینه همکاری است. لازم بیادآوری است که ۲۵ درصد از سهام موسسه کروپ متعلق به ایران می‌باشد. در جریان سفر مدیران شرکت کروپ به ایران همکاری این شرکت برای احداث مجتمع تولید آهن در جزیره قشم نیز مورد بررسی قرار گرفت. این مجموعه ۵ میلیون تن ظرفیت خواهد داشت با همکاری ژاپن در دست احداث است.

وزیر خارجه کشور یمن که دوشنبه هفته گذشته به تهران آمده بود، پس از چند دور ملاقات و مذاکره با مقامات جمهوری اسلامی به کشورش بازگشت. وی حامل پیام کتبی علی عبدالله صالح رئیس‌جمهور یمن برای هاشمی رفسنجانی بود و در جریان سفر خود علاوه بر دیدار با ولایتی با رئیس حکومت اسلامی نیز ملاقات کرد. وزیر خارجه یمن یکی از اهداف سفرش به تهران را مذاکره برای تشکیل کمیسیون مشترک دو جانبه اعلام داشته بود. در جریان این سفر یک کمیته فرعی برای تهیه آئین‌نامه این کمیسیون تشکیل شد.

آخرین مهلت تعویض شناسنامه‌ها

سازمان ثبت احوال جمهوری اسلامی با صدور اطلاعیه‌های آخرین مهلت تعویض شناسنامه‌های سال‌های ۱۳۴۶ تا ۱۳۵۳ را پایان سال جاری اعلام کرد. در این اطلاعیه گفته شده است که شناسنامه‌های نمونه قدیم متولدین مرد سال‌های ۱۳۳۸ تا ۱۳۴۵ و شناسنامه‌های همه متولدین سال‌های ۱۳۵۳ تا ۵۷ فاقد اعتبار است و کسانی که تا بحال شناسنامه جمهوری اسلامی دریافت نکرده‌اند باید در اسرع وقت به یکی از واحدهای ثبت احوال مراجعه و نسبت به تعویض شناسنامه خود اقدام نمایند.

تمدید ۲ ماهه نیروهای یونیماک

حکومت اسلامی با تمدید ماموریت نیروهای حافظ صلح سازمان ملل متحد که در مرزهای ایران و عراق مستقر هستند، به مدت دو ماه دیگر موافقت کرد. این تصمیم به دنبال سفر معاون دبیر کل سازمان ملل متحد در اواخر آبان ماه به تهران صورت گرفت. وی قبلاً از بغداد نیز دیدن کرده بود. مهلت نیروهای حافظ صلح سازمان ملل (یونیماک) تا چند روز دیگر به پایان می‌رسد. تمدید ماموریت این نیروها نشانگر مشکلات هنوز حل نشده‌ای بین حکومتی تهران و بغداد است. هنوز کار علامت گذاری مرزهای بین المللی به سرانجام نرسیده و موافقتنامه‌های نهایی صلح نیز امضا نشده است.

۸۰ میلیارد ریال کسر بودجه برای دانشگاهها

هیات علمی بوده‌اند که این رقم در سال ۶۸ به ۲۲۲۲۱ نفر کاهش یافته است. وی گفت تنها طی دو سال اخیر ۷۲۳۷۸ نفر به تعداد دانشجویان اضافه شده و اکنون ۵۱۷۰ نفر کمبود پرسنل وجود دارد. معاون اداری و مالی وزارتخانه مذکور خاطرنشان ساخت از سال ۶۷ تاکنون از سوی سازمان امور اداری و استخدامی حتی مجوز یک استخدام هم برای تامین پرسنل لازم صادر نشده است.

معاون اداری و مالی وزارت فرهنگ و آموزش عالی فاش ساخت کسر بودجه پیش‌بینی شده سال ۷۰ برای دانشگاهها و مراکز آموزش با توجه به نیازهای موجود ۸۰ میلیارد ریال کسری دارد. وی در مورد نیروی انسانی نیز به کمبودهای موجود اشاره کرد و گفت مشکل بزرگی که هم‌اکنون اداره مراکز عالی با آن مواجهند کمبود نیروی انسانی در بخش اداری و خدمات است. ۴۳ دانشگاه و موسسه آموزش عالی کشور در سال ۶۵ دارای ۲۴۷۱۵ نفر کادر غیر عضو

محکومیت اعدام برای یک جوان

آنان با حزب‌اللهی‌ها انجامید. در جریان این درگیری یکی از بسیجی‌ها به دست جوانی بنام فرهاد قزل چاقو خورد و مجروح گردید. وی به بیمارستان خمینی انتقال یافت اما بر اثر شدت جراحات درگذشت. فرهاد قزل که توسط سایر بسیجی‌ها دستگیر شده بود در دادگاه شعبه ۱۳۴ کیفری تهران محاکمه شد. خانواده بسیجی کشته شده خواستار قصاص وی گردید و دادگاه نیز وی را به اعدام محکوم نمود.

جوانی که در جریان نزاع با بسیجی‌ها، یکی از آنان به نام ناصر ایدام را با ضربات چاقو به قتل رسانده بود به اعدام محکوم شد. روزنامه‌های رژیم ضمن سانسور خبر کشته شدن بسیجی مذکور جریان قتل وی را «در رابطه با مملکت گویی» عنوان کردند. در تاریخ سوم شهریور ماه بسیجی‌ها در پارک لاله به ایجاد مزاحمت برای مردم و «بد حجابان» اقدام کردند که این عمل مورد اعتراض شدید مردم واقع شد و ادامه این اعتراض به زد و خورد میان

موفقیات دو دانشمند ایرانی

فرهنگستان زبان، مرکز مخابرات اسد آباد و رصدخانه نوین در ایران است. بنا به همین گزارش تکوینی بی‌نهایت بودن ذرات این دانشمندان ایرانی در میان فیزیکدانان جهان مشهور است. یک پزشک و محقق ایرانی بنام دکتر علی اکبر بنگدارپور نیز لقب بنیانگذار رادیولوژی در سیستم استخوانی و عضلانی را بخود اختصاص داده است. او این عنوان را از سوی انجمن بین‌المللی سیستم استخوانی کسب کرده است. دکتر بنگدار پور که تحقیقات و مطالعات گسترده‌ای در زمینه بیماری‌های استخوانی دارد، استاد برجسته دانشگاه علوم پزشکی تمپل ایالت پنسیلوانیا می‌باشد و دارای ۷ کرسی افتخاری در دانشگاه‌های جهان است.

موسسه تحقیقات و پژوهش بین‌المللی آمریکا و انستیتو زیست‌نگاری بین‌المللی، دکتر محمود حسابی دانشمند برجسته ایرانی را کاندید عنوان مرد سال ۱۹۹۰ کردند. انستیتوی مزبور همه ساله خدمات و فعالیت‌های شخصیت‌های علمی و معروف جهانی را بررسی می‌کند و برجسته‌ترین فرد را بعنوان کاندید مرد سال برمی‌گزیند. به گزارش روزنامه اطلاعات دکتر حسابی که پدر فیزیک ایران خوانده شده است، خدمات علمی طولانی مدتی دارد و از جمله بنیانگذار موسسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران، سازمان انرژی اتمی، اولین ایستگاه هواشناسی انجمن موسیقی

دولت ۱۸ میلیارد دلار وام میگیرد

دکتر محمد حسین عادل رئیس کل بانک مرکزی اعلام کرد که جمهوری اسلامی در صدد است وامی به میزان ۱۷/۵ میلیارد دلار برای اجرای طرح‌های اقتصادی برنامه ۵ ساله دریافت کند. وی هرگونه مذاکره با صندوق بین‌المللی پول برای وام را رد کرد و گفت اعتبار ۱۷/۵ میلیارد دلاری از منابعی تامین خواهد شد که بهترین شرایط و ارزشترین قیمت‌ها را داشته باشند. عادل حاضر به توضیح بیشتری در مورد این منابع نشد. وی همچنین اضافه کرد دولت ۲۵۰ میلیون دلار وام نیز به شرط تصویب مجلس از بانک جهانی برای بازسازی مناطق زلزله‌زده دریافت خواهد کرد. عادل از تصویب مجلس برای وام ۱۷/۵ میلیارد دلاری سخن نگفت. گفته می‌شود مجلس وام درخواستی دولت را در یکی از جلسات غیر علنی خود به تصویب رسانده است.

حمایت از آل صباح!

روز دوشنبه گذشته نوری‌الجاسم سفیر جدید کویت در تهران با هاشمی رفسنجانی ملاقات کرد و استوارنامه خود را به وی تسلیم کرد. در این دیدار رفسنجانی از وضعیت پیش‌آمده برای مردم کویت ابراز تاسف کرد و گفت امیدوار است که اشغال کویت هر چه زودتر پایان یابد. سفیر جدید کویت نیز مدعی شد که امیر این کشور از پیروزی‌های جمهوری اسلامی در برابر عراق و اجرای موافقت‌نامه ۱۹۷۵ بسیار خرسند است. پذیرش سفیر کویت توسط رفسنجانی، یک اقدام سمبلیک در شناسایی حکومت آل صباح بر کویت به شمار می‌رود. رفسنجانی در شرایطی پشتیبانی خود از آل صباح را اعلام داشته که نه تنها مخالفین در حکومت با آن بشدت مخالفند، بلکه نیروهای ترقیخواه در جهان نیز از مشروط‌گردن عقب‌نشینی عراق از کویت با ادامه حکومت این خاندان در آن کشور بیشتر فاصله می‌گیرند.

آغاز المپیاد جهانی شطرنج

مهدی ماموری، عباس خاکپور، هادی مومنی و حسین آریان نژاد تشکیل می‌دهند. تیم شطرنج ایران در اولین مسابقه خود با نتیجه ۳ بر ۱ بر تیم بولیوی قلمه کرد. در این دیدار هنرندی، ماموری و خاکپور بر حریرغان خود پیروز شدند و کهبیایی مسابقه خود را باخت. تیم

بیست و نهمین المپیاد جهانی شطرنج از روز جمعه ۲۵ آبان‌ماه در شهر نووی ساد یوگسلاوی آغاز شد. در این مسابقات بیش از ۱۰۰ تیم مردان و ۸۰ تیم زنان از سراسر جهان شرکت دارند. این مسابقات تا پانزدهم آذرماه ادامه خواهد داشت و شطرنج‌بازان در ۱۴ دوره با یکدیگر پیکار

وزنه برداری ما، وزنه برداری آنها

به دست آمده در بوداپست و در شیراز اتم در وزنه‌های سبک که قهرمانان ایرانی بارها مدال‌های طلا آنها را به گردن آویخته بودند، سقوط فاجعه‌بار وزنه برداری ایران را نشان می‌دهد. در بوداپست قهرمان بلغاری در وزن ۵۲ کیلوگرم با ۲۶۵ کیلوگرم (۱۱۵+۱۳۷) به مدال طلا

شصت و سومین دوره مسابقات وزنه برداری قهرمانی جهان، دوشنبه گذشته در شهر بوداپست مجارستان به پایان رسید. در این مسابقات تیم‌های شوروی و بلغارستان مقام‌های اول و دوم را به خود اختصاص دادند و کره شمالی و چین به مقام‌های سوم و چهارم دست یافتند. درخشش غیر منتظره وزنه‌برداران آسیایی در شرایطی

پیروزی صدرنشین فوتبال باشگاههای تهران شد

دومین هفته دوره برگشت مسابقات منطقه‌ای قهرمانی باشگاه‌های کشور جمعه گذشته با انجام زنده دیدار دنبال شد و این نتایج بدست آمد: برق شیراز ۲ کاوه بندر عباس صفر، تام افغانان یک کما شیراز صفر؛ سپید رود رشت ۲ پرسپولیس بیجار صفر، شاهین صفر، نساجی قائم شهر یک ابومسلم مشهد یک. در پایان هفته نهم این مسابقات تیم‌های استقلال رشت، ابومسلم مشهد، تام افغانان و استقلال اهواز در صدر جدول مناطق چهار گانه قرار دارند. تیم فوتبال استقلال تهران در دیداری حساس که با حضور ۴ هزار تماشاگر در اهواز برگزار شد تیم استقلال اهواز را با نتیجه ۲ بر صفر شکست داد و راهی مرحله بعدی مسابقات حذفی قهرمانی باشگاه‌های کشور گردید.

شطرنج ایران در دومین مسابقه با همین نتیجه مغلوب قهرمانان شطرنج کلمبیا شد. تنها قهرمان پیروز کشور ما در این مسابقه خسرو هرتقی بود که در یک مسابقه دشوار بر حریرغان خود غلبه کرد. دیگر شطرنج‌بازان ایران (ماموری، خاکپور و کهبیایی) نتیجه مسابقات را به حریرغان خود واگذار کردند. دست یافت بهترین وزنه بردار کشور ما در این وزن ۱۸۲/۵ کیلوگرم (۱۰۷+۷۵) وزنه بردار است. در وزن ۵۶ کیلوگرم قهرمان چینی با رکورد ۲۸۵ کیلوگرم (۱۳۰+۱۵۵) مدال طلا گرفت. قهرمان کشور ما در این وزن ۲۰۵ کیلوگرم وزنه بردار است (۱۱۵+۹۰) در سایر وزن‌ها تفاوت از این نیز بیشتر شد.

بسیج نظامی غرب و در وحله اول ایالات متحده آمریکا در خلیج با یک ضربت، رویاهایی را که در اروپای غربی و آمریکا پس از اضمحلال اردوگاه سوسیالیستی در باره فرارسیدن دوران صلح جایزیدان پدید آمده بود به باد فنا سپرد. به نظر بسیاری از مردمان کشورهای صنعتی مرفه چنین می‌آمد که هنگامه جدیدی فرارسیده است؛ هنگامه لذتجویی از میوه‌های رفاه و رشد اقتصادی مستمر که اکنون با "پیوست" بازار اروپای شرقی پویایی نوینی کسب کرده است. به نظر سیاستمداران غرب چنین می‌نمود که دیگر در آینده برای ایفای نقش یک ابرقدرت نه قدرت نظامی بلکه قدرت اقتصادی، صادرات گسترده، دانش فنی و... ملاک خواهد بود. به همین خاطر حمله عراق به کویت که بزودی در روزنامه‌های این دیار به عنوان حمله به "نفت‌مان" و به این ترتیب "حمله به سطح زندگی‌مان" تصویر شد، بسان سیل پرهیبتی به خفتگان و رویاها را در هم شکست. روزنامه آلمان T.A.Z. می‌نویسد:

"فرایندهایی نظیر تحولات کنونی در خلیج که در آن یک بیمار روانی مستبد تلاش می‌کند جهان را تحت سلطه خود درآورد، آلمان فدرال را موظف می‌کند از خود همبستگی نظامی نشان دهد زیرا در اینجا هم حفظ صلح جهانی مطرح است و هم حمایت از ساختارهای اقتصادی بازار جهانی و منافع پایه‌ای کشور ما." این است آن روح دلال منشی که در هنگام به خطر افتادن "ساختارهای اقتصادی بازار جهانی" که در واقع همان "نظام اقتصادی نابرابر در جهان موجود" می‌باشد، شمشیر از نیام بیرون می‌کشد.

کافیست فقط به آمار و ارقام رجوع کنیم تا دریابیم که "جهان سوم" چه نقش قاطعی در حفظ سطح رفاه مردم کشورهای رشد یافته ایفا کرده است. کشورهای صنعتی غرب امروز در مقایسه با سال ۱۹۸۰ در ازای مواد خام صادراتی از "جهان سوم" مجموعاً ۳۷ درصد کمتر می‌پردازند. در مقابل کشورهای در حال توسعه باید در مقایسه با

۱۰ سال قبل مجموعاً ۳۰ درصد بیشتر کالا صادر کنند تا به همان اندازه مواد صنعتی از غرب وارد کنند. سقوط قیمت در بازارهای مواد خام کاملاً برونق منافع طبقات حاکم در جوامع صنعتیست زیرا سود سرمایه در این کشورها را افزایش داده و در خدمت حفظ ثبات اجتماعی در آنجاست. درست به همین خاطر منافع سرمایه ایجاد می‌کند که ساختارهای کنونی اقتصاد جهانی را، یعنی حراج مواد خام "جهان سوم" که به وسیله مکانیزم‌های انحصاری و مقروض کردن کشورهای در حال رشد به آنجا تحمیل شد، بدون مزاحمت حفظ کند.

حمله عراق به کویت این نقشه را همیقا به خطر می‌اندازد. صدام حسین به دفعات متذکر شد که می‌خواهد قیمت نفت خام را افزایش دهد و به این منظور شیخ نشین‌های مرتجع و وابسته به غرب را تضعیف کند. خود محافظ فربنی نیز پس از آنکه متوجه شدند که نمی‌توانند حمایت از نظامات عقب مانده فئودالی در عربستان سعودی و کشورهای نظیر آن را به عنوان دفاع از دموکراسی و حقوق بشر قالب کنند اصرار می‌کنند که جوهر مسئله، حفظ ساختارهای موجود بازار جهانیست. مسئله بر سر تمکک مواد خام در جهان و تقسیم ثروتهاست.

برداشت و در سال‌های ۷۰ متکی بر درآمد نفت یک تحول اقتصادی در پیش گرفت که از سوی به ایجاد پایه‌ای صنعتی و از سوی دیگر به ارتقای نسبی سطح زندگی مردم منجر شد. اگر در ابتدای کار، ارتش نیروی پیشبرنده این تحول بود، به تدریج جناحی از حزب بعث به رهبری صدام حسین، که در سال ۱۹۷۹ رئیس جمهور عراق شد، بر کشور مسلط گشت. این جناح پس از از بین بردن بی‌رحمانه و نابودی فیزیکی هر گونه اپوزیسیون سیاسی، از کمونیست‌ها گرفته تا مذهبی‌ها و کردها، پایه‌های داخلی خویش را تحکیم کرد. از نقطه نظر سیاست خارجی مهمترین هدف صدام حسین ایفای نقش سرکردگی در منطقه بوده است. همین مسئله، محرک آغاز جنگ ایران و عراق بود. اما جنگ ۸ ساله با ایران نه تنها باعث بنای یک ارتش مجرب به کمک غرب و شرق شد، بلکه در همین حال اقتصاد کشور را نیز به نابودی کشاند. این کشور در پایان جنگ، ۹۰ میلیارد دلار، یعنی سه برابر درآمد ملی عراق، مقروض بود. بخش قابل توجهی از این قروض از کشورهای خلیج اخذ شده بود. اما به علت سقوط قیمت نفت خام در بازار جهانی، که هم‌اکنون نیز به لحاظ واقعی (یعنی در مگابیس) با

این باره می‌نویسد: "او در دیدار شورای همکاری‌های خلیج در ماه فوریه در اردن ۳۰ میلیارد دلار مطالبه کرد و گفت که اگر این پول را به او ندهند، خود خواهد دانست آن را چگونه تمهید کند." اما او این پول را دریافت نکرد. او در ماه‌های پس از آن، هم‌چنان تلاش کرد مبالغ میلیاردی از کویت و سایر کشورهای خلیج دریافت کند اما موفق نگردید. او آنگاه در کنفرانس‌های اوپک کوشید قیمت نفت را بالا ببرد و یاب و زیان کویت و عربستان سعودی سهم بیشتری از استخراج و صدور نفت را به عراق اختصاص دهد. این تلاش نیز به شکست منجر شد.

ضربه عراق در شرایطی رخ داد که تلاش‌های ایالات متحده و اتحاد شوروی برای حل منازعات منطقه‌ای با شکست مواجه شده بود. در حالی که آمریکا به اسرائیل فشار می‌آورد با سازمان آزادیبخش فلسطین به مذاکره پردازد، اتحاد شوروی سوریه را متقاعد می‌کرد از موضع سفت و سخت خود در برابر اسرائیل پاپس نهد و به سازمان آزادیبخش فلسطین مساعدت می‌نمود تا یک راه حل صلح‌آمیز با اسرائیل را بپذیرد. قیام مردم فلسطین در مناطق اشغالی به ایالات متحده آمریکا نیز فحمانده بود که اوضاع موجود قادر به دوام نیست. اما تغییر کابینه اسرائیل و روی کار آمدن نیروهای افراطی راست در حکومت این کشور، از سویی به سرخوردگی مردم از تلاش‌های صلح‌جویانه و از سوی دیگر به رادیکالیزه کردن بیشتر اوضاع مساعدت کرد.

در چنین موقعیتی حمله عراق به کویت بسان صاعقه تاثیر نمود و موج عظیم همبستگی با صدام حسین را در میان مردم عرب پدید آورد. صدام حسین نیز با توجه به این روحیه، "جنگ مقدس" را فراخواند. اما سران رژیم عراق بخوبی می‌دانند که

نزاع شمال و جنوب

فرب پایین می‌آورد، اینک مستقیماً به ضرر منافع این شیوخ است. بحران خلیج بر بستر وخامت اوضاع منطقه زمینه بروز پیدا کرد. هر کس که تحولات خاور نزدیک و میانه را در سال‌های اخیر با دقت تعقیب کرده بود می‌توانست حدس بزند که تضادهای انباشته شده در آنجا دیر یا زود به یک درگیری مسلحانه منجر خواهند شد. البته این را کسی نمی‌توانست پیش‌بینی کند که این نزاع کی و کجا فوران خواهد کرد. بنابراین اشغال کویت توسط عراق تنها بر بستر مخزن پاروتی که انباشته شده بود می‌توانست به یک بحران منطقه‌ای و جهانی تبدیل شود.

نجیب الله رئیس جمهور افغانستان هفته گذشته به ژنو سفر کرد. به گفته سخنگوی دولت افغانستان، هدف از این سفر مذاکره با نمایندگان اپوزیسیون مسلح این کشور است. سخنگوی دولت کابل اعلام کرد نجیب الله با هدف پیدا کردن راه حلی برای جنگ داخلی افغانستان، در ژنو با گروه‌های میانه روی شورشیان گفتگو خواهد کرد. طبق این گزارش نجیب‌الله همچنین با شخصیت‌های معروف افغانی مقیم اروپا ملاقات خواهد داشت. سخنگوی دولت افغانستان از تأیید یا تکذیب این خبر که رئیس جمهور افغانستان قصد دیدار با ظاهر شاه رهبر

افغانستان : مذاکرات نجیب الله با نمایندگان اپوزیسیون

پیشین افغانستان که در رم زندگی می‌کند را نیز دارد، خودداری کرد. باین حال این سخنگو اظهار داشت که دولت، پادشاه خلع شده را یک "شخصیت مهم سیاسی" می‌داند. در طول هفته‌های گذشته، رهبران ائتلاف افغانی مستقر در پیشاور پاکستان، از جمله سبت الله مجددی رئیس "دولت در تبعید" شورشیان سرفرایی به تهران داشته‌اند. در جریان این سفرها، مقامات جمهوری اسلامی ائتلاف پیشاور را به اتحاد با "حزب وحدت اسلامی" که از ائتلاف هشت گروه شیعه طرفدار تهران تشکیل شده است، فراخواندند.

مصاحبه با حسن شریعتمداری عضو شورای مرکزی جمهوری خواهان ملی ایران

بقیه از صفحه ۲

پرسش: اخیراً برخی از طیفهای سلطنت طلب هم موادار انتخابات آزاد شده‌اند. اصولاً این گرایش در میان سلطنت طلبان را تا چه حد می‌توان جدی گرفت و آیا نیروهای سلطنت طلب بدون یک برخورد جدی با کارنامه سیاه پنجاه ساله‌شان می‌توانند تنها به صرف ادعاهایشان در زمره نیروهای دمکرات و آزادیخواه به حساب آیند؟

پاسخ: در این باره در میان جمهوریخواهان نظرات گوناگونی وجود دارد. عده‌ای از ما شدیداً مخالف هرگونه اتحاد عمل با سلطنت طلبها هستند، خواه این نیروها دچار تحول بشوند و یا نشوند. و دلیل این دوستان هم بیشتر سابقه تاریخی سلطنت میباشند، نه آن تحولات احتمالی که در آینده در بین سلطنت طلبها

رو می‌دهد. ولی عده زیادی از ما معتقدند که همه نیروها و از جمله سلطنت طلبها دچار تحول و دگرگونی شده‌اند. مشکل سلطنت طلبان آن است که میان نیروهای دمکرات و فیردمکراتشان هیچ فاصل و مرزی وجود ندارد و بیشتر به ملقمه‌ای از افکار گوناگون شباهت دارند. مادام که یک نیروی معتقد به دموکراسی، به صورت یک نیروی منسجم، با برنامه گویا در بین سلطنت طلبها پیدا نشود، قضاوت قطعی در باره همکاری با سلطنت طلبان بسیار دشوار است. بهر صورت یک امر برای ما روشن است و آن اینکه سازمانهای مدرن با موج سیاسی همکاری درازمدتی را برای خودشان ممکن نمیدانند و فقط با سازمانهای جدی سیاسی طرف می‌شوند. سلطنت طلبها تا زمانی که به این مرحله از تکامل درونی نرسند، قبل از صحبت از همکاری با

آنها باید پرسیده همکاری باکی؟ با کدام بخش از سلطنت طلبها و چگونه؟ بنابراین در حال حاضر مسئله همکاری با سلطنت طلبها خارج از دستور کار ماست، بویژه آنکه تا زمانی که این نیروها حزب‌های خودشان را تشکیل ندهند، اصولاً از دستور کار ما خارجند.

پرسش: منظور شما از فرارویی سلطنت طلبها به یک حزب یا سازمان بیشتر به لحاظ پیدا کردن یک کاراکتر و برنامه سیاسی است و یا اجابتادن ساختار حزبی در میان آنها؟

پاسخ: برنامه و مواضع سیاسی بخش مهمی از مسئله است ولی مهمتر از آن این سؤال است که بر اساس کدام قراردادها و اسناد این تشکل شکل قانونی به خود گرفته است؟ در واقع متشکل شدن این نیروها باید به تعیین افراد مذاکره‌گری بیانجامد که نمایندگی دموکراتیک نیروی خود را بعهده داشته باشند. مادام که این امر تحقق نیافته، ساختار درونی این نیروها صرفنظر از مواضعشان به شکل بشیرهای، قبیل‌های، امیری و فرماندهی باقی خواهد ماند و برای ما که به وجود احزاب سیاسی مدرن معتقدیم مذاکره و اتحاد عمل

درازمدت با چنین نیروهایی اصولاً مطرح نیست.

پرسش: ظاهراً که شما جزو آن گروهی هستید که همکاری با سلطنت طلبها را نه به لحاظ تعلق این نوع نظام به گذشته و عدم مشروعبیت تاریخی آن، بلکه به سبب فاصله این نیروها با یک حزب سیاسی مدرن و دموکراتیک نمی‌کنید؟ بدین ترتیب می‌توان گفت که در صورت فرارویی سلطنت طلبها به یک حزب یا سازمان نوین و دمکرات همکاری درازمدت شما با آنها صرفنظر از مواضع سیاسی‌شان بلامانع است؟

پاسخ: حداقل بنظر من اگر روزی سلطنت طلبها سازمان جدیدی بر اساس دموکراسی بنا کنند این کلا چیز جدیدی است و خودبخود با سلطنت قبلی ایران هیچ رابطه سیاسی ندارد، چون سلطنت هیچگاه در ایران با دموکراسی رابطه سیاسی نداشته و همیشه بر علیه آن بوده است. بنابراین اگر یک سازمان دموکرات سلطنت طلب تشکیل شود، این سازمان پدیده جدیدی در میان نیروهای سلطنت طلب هست و طبعاً یک پدیده جدید خود جوابگوی اعمال گذشتگان نیست، ولی از این سازمان توقع می‌رود که قضاوت تاریخی خود را نسبت

به سلطنت محمدرضا شاه و رضاشاه ارائه دهد. بالاخره باید مشخص کند که در ۲۸ مرداد یا وقایع قبل و بعد از آن کدامیک از جناحها درست میگفتند، آیا دکتور مصدق درست میگفت یا شاه؟ این چیزی نیست که به سکوت بتوان از آن گذشت، زیرا ما ریشه همه تحولات آینده را در وقایع تاریخی گذشته میدانیم و هیچ نیروی سیاسی دموکراتی بدون تحلیل و قضاوت در باره آنچه که در ایران گذشته، نمیتواند یکشبه سر بر آورده و ادعای دموکراسی کند.

پرسش: فرض کنیم که در میان سلطنت طلبها حزب یا سازمان دموکراتی مطابق با ویژگیهای مورد نظر شما بوجود آید. این سازمان یا حزب بهر صورت قدرت رساندن شاهی خواهد بود که همچون همه نظام‌های سلطنتی و یا همچون ولی فقیه به کسی حساب پس نمیدهد و در جامعه استبداد زده و دموکراسی نمیتواند دوباره بساط دیکتاتوری و خودکامگی بگسترند. آیا این استراتژی در تضاد با دیدگاه شما که همه ارکان قدرت سیاسی را ناشی از اراده و آراء مردم میدانید، نیست؟ اگر پاسخ مثبت است،

آنگاه چه زمینه‌های اشتراکی برای اتحاد میان شما و چنین سازمانی یا حزب سلطنت طلبی باقی میماند؟

پاسخ: همانطور که در ابتدای مصاحبه گفتیم دیدگاه نفی و طرد هیچ مشکلی را حل نمی‌کند و تحولات اجتماعی خارج از اراده نخواهند پدید آمد. در صورت تحقق شرایطی که در بیانیه تدقیق خط مشی سیاسی جمهوریخواهان مصوب کنفرانس اکتبر ۱۹۹۰ آمده است که البته تحقق آن کار آسانی نیست ما اعتقاد داریم که سلطنت طلب نیز برای گسترش و ترویج دموکراسی باید از شانس برابری استفاده کند. اینکه در نهایت سلطنت نهادی فیردمکراتیک است یکی از دلایل نظری این امر است که امثال من جمهوریخواهند ولی استقرار دموکراسی در هر جامعه‌ای تنها هنگامی ممکن است که همه ساختارهای فیردموکرات آن جامعه شرایط و فیردموکرات را بپذیرند. ما با ساختن جامعه‌ای آزاد و حکومتی مبتنی بر دموکراسی همکاری می‌کنیم ولی در همین حال تمام تلاش خود را برای استقرار جمهوری ایران بکار می‌بریم.

ادامه دارد

مارگارت تاجر استعفا کرد



مارگارات تاجر نخست وزیر بریتانیا پس از یازده سال از مقام خود استعفا کرد. این استعفا بدنبال رای گیری در فراکسیون حزب محافظه کار در مجلس عوام بریتانیا برای تعیین رهبر حزب که خودبخود نخست وزیر خواهد بود، صورت گرفت. در این رای گیری، تاجر ۲۰۴ رای و رقیب او مایکل هزل تاین ۱۵۲ رای به دست آوردند، اما از آنجا که در دور نخست رای گیری، برنده باید حداقل به میزان ۱۵ درصد کل آرا از رقیب خود رای بیشتر داشته باشد، تاجر نتوانست در دور نخست به پیروزی دست یابد. وی با اینکه پس از اعلام نتیجه آرا در شامگاه ۲۰ نوامبر (۲۹ آبان) نیز گفته بود که در دور دوم رای گیری شرکت خواهد کرد، دو روز بعد، قبل از سپری شدن مهلت معرفی کاندیداها برای دور دوم رای گیری در ۲۷ نوامبر (۶ آذر)، استعفاي خود را اعلام کرد. علت استعفاي تاجر، عدم حمایت قاطع نمایندگان حزب محافظه کار از او بود.

مایکل هزل تاین رقیب تاجر در دور دوم رای گیری شرکت خواهد کرد. هزل تاین در سال ۱۹۸۸ بدنبال اختلاف نظر با تاجر از مقام وزارت دفاع استعفا کرد. در حالی که هزل تاین مدافع نزدیکی بریتانیا به سایر کشورهای عضو جامعه اروپا و پیوستن بریتانیا به روند وحدت اروپای غربی است، تاجر به ویژه در سال های اخیر نماینده جناح مخالف روند وحدت اروپای غربی بود. همین اختلاف در روزهای اخیر تا حدی بالا گرفت که جفری هاو، وزیر خارجه پیشین و معاون تاجر از مقام خود استعفا کرد و طی نطقی در پارلمان از همه سیاستمداران حزب محافظه کار خواست که به حمایت از تاجر پایان دهند. بدنبال این نطق هاو بود که هزل تاین اعلام کرد در رقابت با تاجر، نامزد رهبری حزب خواهد شد.

مایکل هزل تاین باید برای رسیدن به رهبری حزب و نخست وزیری، دو رقیب را شکست دهد: داگلاس هرد وزیر خارجه و جان میچر وزیر دارایی کابینه تاجر. هر سه نامزد نخست وزیری اعلام کرده اند که در صورت پیروزی هر یک از رقبای خود،

در کابینه او شرکت خواهند کرد. این موضع گیری سه کاندیدا نشان می دهد که حزب محافظه کار می خواهد پس از حذف تاجر، به طور یکپارچه و متحد وارد کارزار انتخابات مجلس عوام شود. حزب کارگر در روزهای اخیر پیوسته خواستار برگزاری انتخابات زودرس شده است اما از آنجا که تعیین تاریخ دقیق انتخابات بسته به تصمیم نخست وزیر محافظه کار (تاجر و جانشین او) خواهد بود، به نظر نمی رسد این حزب در شرایط فعلی که نتایج نظر خواهی ها چندان بسودش نیست، به انتخابات تن دهد.

مارگارت تاجر در طول یازده سال حکومت خود، با به اجرا درآوردن راه حل محافظه کارانه برای مقابله با بحران اقتصادی، نمونه بارزی از "جامعه دوم" در بریتانیا ایجاد کرد، جامعه ای که رفاه نسبی اکثریت آن، به قیمت فقر و فلاکت روزافزون حدود یک سوم مردم تمام می شود.

رئوس سیاست های اقتصادی تاجر عبارت بود از خصوصی کردن موسسات اقتصادی دولتی، تضعیف سندیکاها از طریق فراهم کردن زمینه اخراج های دسته جمعی، بخشودگی های مالیاتی به سرمایه داران و حذف برنامه های رفاهی و بیمه های اجتماعی. در سیاست خارجی و دفاعی، دولت تاجر مانند دولت ریگان به نظامی گری و افزایش تسلیحات پرداخت و در موارد مختلف مانند لشکرکشی به مالویناس، کمک به آمریکا در بمباران لیبی و حضور نظامی در خلیج فارس، نشان داد که در ماجراجویی دست کمی از محافظه کاران آمریکایی ندارد. تنها با اجرای مشی نوین دولت شوروی و غالب شدن "اندیشه نوین" در بسیاری از هرصه های سیاست بین المللی بود که تاجر نیز مانند ریگان و بوش، تا حدی واقع بینی سیاسی از خود نشان داد و دریافت که منافع بریتانیا نیز انطباق یافتن با شرایط جدید جهانی را ایجاب می کند.

با کناره گیری تاجر، به نظر نمی رسد سیاست دولت بریتانیا به غیر از در برخورد آن به روند وحدت اروپا، دچار تغییر اساسی شود.



با اینکه مایکل هزل تاین نتوانست در دور اول رای گیری تاجر را شکست دهد، اما میزان بالای آرای او باعث کناره گیری تاجر شد.

شوروی:

حذف پست نخست وزیر؟

شورای عالی (پارلمان) اتحاد شوروی بررسی جزئیات لایحه پیشنهادی میخائیل گارباچف رئیس جمهور برای افزایش اختیارات ریاست جمهوری را که کلیات آن روز شنبه ۱۸ نوامبر (۲۷ آبان) به تصویب پارلمان رسیده بود، آغاز کرد. در صورت تصویب این لایحه، قانون اساسی شوروی اصلاح خواهد شد و کابینه تحت ریاست مستقیم رئیس جمهور قرار خواهد گرفت. بدین ترتیب پست نخست وزیر جایگاه خود را در نظام سیاسی شوروی از دست خواهد داد. اصلاحات پیشنهادی، همچنین ایجاد مقام معاونت رئیس جمهور را پیش بینی می کند.

طرح جدید، واکنش گارباچف نسبت به آنچه خود او آن را در نطق پارلمانی اش "جنگ تمام عیار قدرت" نامیده است. در هفته های گذشته جناح موسوم به اصلاح طلبان رادیکال به رهبری بوریس یلتسین رئیس پارلمان جمهوری روسیه بارها خواستار برکناری نیکلای ریشکف نخست وزیر شوروی شدند. یلتسین در شورای عالی اتحاد شوروی خواهان تشکیل یک کمیسیون مقابله با بحران به جای دولت کنونی شد. وی در هفته گذشته طرح گارباچف برای افزایش اختیارات رئیس جمهور را مورد انتقاد قرار داد و گفت گارباچف در طرح خود، پیشنهادهای رهبران

جمهوری ها را مد نظر قرار نداده است. یلتسین معتقد است طرح گارباچف هدف تقویت تمرکز قدرت در مسکو را دنبال میکند. لایحه گارباچف پیش بینی میکند که جمهوری ها، همه قوانینی را که در مقابله با قوانین اتحاد شوروی تصویب کرده اند، به حالت تعویق در آورند. در غیر این صورت، طرح مزبور به رئیس جمهور توصیه میکند که از همه ابزارها و اختیارات خود علیه مقاومت جمهوری ها استفاده کند.

به همت اخلاف در سیستم توزیع مواد غذایی، بسیاری از مناطق شوروی در انتظار زمستان سختی هستند. اقلام عمده مواد غذایی در شهرهای بزرگ چیره بندی شده اند. ساچک شمر دار لنینگراد میگوید که قادر نیست چیره سرانه ای حتی به اندازه چیره شهر و ندان لنینگراد هنگام محاصره شهر توسط ارتش آلمان، تامین کند. هفته گذشته میخائیل گارباچف در جریان شرکت در اجلاس سران کنفرانس امنیت و همکاری در اروپا در پاریس، با رهبران برخی کشورها، از جمله آلمان، برای سازماندهی کمک غذایی به شوروی مذاکره کرد. قرار است در آلمان این کمک بصورت دولتی و خصوصی سازمان یابد.

السالوادور:

عملیات نظامی موفق انقلابیون

جبهه رهایی بخش ملی فارابوندو مارتی (اف ام ال ان) در السالوادور روز سه شنبه ۲۰ نوامبر (۲۹ آبان) یک تهاجم سراسری علیه ارتش این کشور را آغاز نمود. با اینکه به گزارش شاهدان معینی، نبردها بسیار سخت است و در حداقل ۶ استان از ۱۴ استان السالوادور جریان دارد، سخنگویان اف ام ال ان حمله جدید را یک اقدام "محدود" نظامی علیه دولت راست افراطی این کشور اعلام کرده اند. به گفته این سخنگویان، هدف این عملیات نظامی، کشتادن افراد و کریستیانی رئیس جمهور به پای میز مذاکره و وادار کردن او به انجام اصلاحات در ارتش و تن دادن به تحقیق پیرامون موارد نقض حقوق بشر است به گزارش سخنگویان نیروهای دولتی السالوادور در نخستین ساعات حمله چریکها ۳ تن کشته شده اند سان سالوادور پایتخت این کشور نیز صحنه درگیری بوده است.

مجمع عمومی سازمان ملل روز سه شنبه ۲۰ نوامبر (۲۹ آبان) در نیویورک قطعنامه ای در حمایت از روند صلح در آمریکای مرکزی تصویب کرد. این قطعنامه خاویر پرزودکوئیاری دبیرکل سازمان ملل را فراخوانده است برای تسریع مذاکرات میان اف ام ال ان و دولت کریستیانی اقدام کند. قطعنامه می افزاید کشورهای خارجی که می خواهند از منافع خود در آمریکای مرکزی دفاع کنند، نباید دست به هیچ اقدامی بزنند که احتمالاً به روند صلح و دمکراتیزه کردن این

انتخابات ریاست جمهوری لهستان

روز یکشنبه ۲۵ نوامبر (۴ آذر) انتخابات ریاست جمهوری لهستان برگزار شد. هنگامی که نشریه به زیر چاپ می رفت، هنوز گزارشی درباره نتیجه انتخابات نرسیده بود. دو رقیب اصلی در انتخابات لهستان، هارتند از لگ والسا رهبر اتحادیه همبستگی و تادیوش مازویتسکی نخست وزیر این کشور. در حالی که والسا از تسریع گذار به اقتصاد سرمایه داری، گسترش بیشتر روابط با غرب و تصفیه ضد کمونیستی دفاع می کند، مازویتسکی خواهان اجرای سیاست محتاطانه تری است. نخست وزیر لهستان بر خلاف والسا خواهان حفظ برخی مکانیزم های به جا مانده از دوره حکومت کمونیست ها تحقق اشتغال کامل از سوی دولت، کنترل قیمت ها و ایفای نقش تعیین کننده دولت در اقتصاد است. والسا الگوهای خود را مارگارت تاجر و هلموت کول می داند.

در ماه های اخیر، بسیاری از روشنفکران که در گذشته در اپوزیسیون با اتحادیه همبستگی و السالوادور بودند، او را متمم به استبداد و پوپولیسم کرده اند. این شخصیت های سیاسی، مانند آدام میشنیک سردبیر نشریه "گازتاو بیورا" اکنون از مازویتسکی حمایت می کنند.



والسا - کارگر سابق و پادشاه آینده؟

برای اشتراك نشریات "کار" و "اکثریت" در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراك، تمپرستی و یازسید بانکی پرداخت بهای اشتراك به آدرس نشریه ارسال نمایید:

بهای اشتراك	شش ماهه	اروپا	دیگر نقاط
نشریه "کار"	یک ساله	۱۱ مارک	۱۳ مارک
		۲۱	۲۴

بهای اشتراك	شش ماهه	اروپا	دیگر نقاط
نشریه "اکثریت"	یک ساله	۳۲ مارک	۳۹ مارک
		۶۲	۷۶
		۱۲۰	۱۵۰

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید)

<p>AKSARIYAT NO. 328 MONDAY 26. Nov. 1990</p> <p>آدرس: Ruzbeh Postfach 1810 5100AACHEN GERMANY</p>	<p>اکثریت نشریه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور</p> <p>حساب بانکی: M.ABD NR. 35263011 37050198 Stadtsparkasse Köln GERMANY</p> <p>کدبانک:</p>
---	--